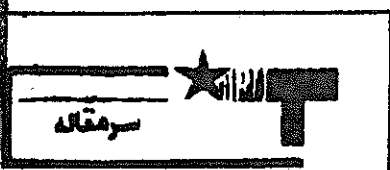


کمیته
ایران

iranische revolutionäre



نامه اهالی سندج

در مورد درگیری حزب دمکرات و کومه له

صفحه ۴

اخبار

عملیات پیشمرگان فدائی

• حمله به پایگاه • کنترل جاده • مین گذاری • صفحه ۴

حزب دمکرات

و دیپلماسی و شکست!

گسترس مبارزات اعتراضی توده ها و ضرورت سازماندهی آن

در طی ماههای اخیر، مبارزات توده ای علیه سیاست های ارتجاعی رژیم از قبیل، تسلیح اجباری و حاکمیت روستاهای کردستان، سرانجامی اجباری فرزندان خلق کرد برای اعزام به جبهه های جنگ ارتجاعی و نیز سیاستهای ایدئولوژیک مزدوران رژیم در سرانجام کردستان برای ازبای در آوردن توده های مردم خلق کرد، ابعاد گسترده ای به خود گرفته است. مبارزاتی که اینک دیگر به یک امر عادی در مقابل مزدوران رژیم در سرانجام کردستان تبدیل شده و هیچکدام از اقدامات ارتجاعی رژیم از قبیل، دستگیری، شکنجه، آزار و اذیت، تخریب روستاها و به آتش کشیدن خانه و کاشانه اهالی و حاکمیت آنها، توانسته است از ابعاد آنها بگذرد. و توده های معترض را وادار به تکلیف به سیاست های رژیم نماید.

ابعاد گسترده اعتراضات توده ای و خصلت تعرضی آنها در بسیاری موارد و اشکال متفاوت دیگر که بصورت مقاومت های دسته در صفحه ۲

که عنقریب به "تحویل درگیریهای خونین گسترده تر بر پیشمرگان انقلابی خلق کرد" می گردد و به اضمحلال کدام "شیوه های برخورد خصمانه حزب دمکرات" تا کهد نموده ایم که دستاوردهای دمکراتیک جنبش انقلابی خلق کرد را لگد مال می کند، به دیپلماسی دروغ پناه برده است و تلاش نموده است واقعیت سیاستهای خود را و ضمن حسی همان نام "مورد نظر خود را نیز پوشیده نگه داشته و پشت این سیاست و در شکسته خود، سنگسار در صفحه ۵

و با یک جمله "و اینهم ... یک پاسخ انقلابی تلاشی نموده است، دست به عوامفریبی و مظلوم نمایی زده، به تحریف واقعیت مناسبات خود با نیروهای سیاسی در کردستان دست یازد. حزب دمکرات بدو نشان که بگوید که ما در آن نامه به سر اعمال گسدا م سیاستهای "از سوی رهبری حزب دمکرات انگشت گذاشته ایم و آنها را "گاسی" در جهت تضعیف بیشتر از پیش جنبش انقلابی خلق کرد ازبای کرده ایم، چرا و کدام اعمال از سوی حزب دمکرات را "نفرت انگیز" نامیدیم

حزب دمکرات کردستان، در نشریه کردستان (شماره ۱۰۶) ضمن چاپ نامه رسمی خود به سازمانها و احزاب سیاسی، بخشی از یک نامه مارا که نه در این رابطه بلکه در مورد مشخص دیگری نوشته شده است، به چاپ رسانده است. و آنرا پاسخی به نامه خود اعلام داشته است. حزب دمکرات با حذف بخش اول نامه که موضوع اصلی نامه را تشکیل می داد، بخش پانجمی و در حقیقت نتیجه گیری آن نامه را منتشر نموده

در صفحات دیگر:



■ اخبار جنبش توده ای

صفحه ۹

■ صلح برای جنبش

■ جنگ برای جلب محافل خارج

صفحه ۲۰

آغاز ششمین سال جنگ و جنبش انقلابی خلق کرد

هه موو میله تیک مافی دیاری کردنی چاره نویسی خوی هه به

گسترش مبارزات اعتراضی توده ها و ضرورت سازماندهی آن

از صفحه ۱

جمعی، راهپیمایی به سوی شهر، تجمع در شهرها و در مقابل مراکز رژیم و اعلام خواست های توده های معترض، خود را آشکار ساخته است، بیانگر عشق و وسعت تدابیرش است که بهر از شش سال آن در زیر تازیانه سرکوب رژیم جمهوری اسلامی و مزدوران رنگارنگ آن همچنان و با تمام نیرو و توان خود، ادامه دارد و جلوای از آن عزم آهنینی است که خلق کرد در طول شش سال گذشته از خشنود در نبردهای رویاری و خونین با رژیم جمهوری اسلامی آشکار ساخته است.

امر مهم دیگری که می باید این زمینه به آن توجه نمود، حضور قدرتمند این جبهه عظیمی و این مبارزات در مناطق که مدنیت رژیم با استقرار آن ها پایگاه، قصد اعمال کنترل خود بر آنها را در مناطقی که علیرغم حضور نیروهای سرکوبگر رژیم در آنها هنوز هم کانون مبارزات توده ای در مقابل مزدوران آن هستند.

مسئله مهم این است که این اقدامات می باید سازماندهی، در انطباق با جنگ انقلابی در کردستان علیه رژیم جمهوری اسلامی و به مبارزات تحریک نیروی پیشمرگه در کردستان اشکال و ابعاد عظیمتری به خود گرفته، به هم گره خورده و به منبع عظیم انرژی در شرایط کنونی مبدل گردد و توده های هرچه وسیع تری را نه بطور پراکنده، بلکه بطور گسترده و سازماندهی در تمامی مناطق کردستان متشکل نماید. این امر میسر نیست مگر از طریق ایجاد آن حلقه های اساسی که بتواند این مبارزات را به هم پیوند داده و کاتالیزور نماید. و این حلقه های جزیی جز ایجاد تشکلهای توده ای جهت هدایت و همگونی این مبارزات نیست. تشکلهایی که مسائل اساسی مربوط به این گونه مبارزات را جمع بندی نموده در مناطق مختلف با توجه به وضعیت عمومی آن منطقه و

سیاست های رژیم، در قبال این سیاست ها با هدف روشنی حرکت نموده، اعتراضات پراکنده را به یک اعتراض گسترده و عمومی مبدل ساخته، هرچه بیشتر مزدوران رژیم را در تنگنا قرار داده، وادار به عقب نشینی نماید و در ارتباط تنگننگ با مبارزه مسلحانه در کردستان گام های موثری را در به شکست کشاندن تلاش های رژیم و ایجاد پایگاه متشکله توده ای برای جنبش کنونی بردارد.

مسئله بدون آن که این مبارزات اعتراضی در هم گره خورده و تحت هدایت یک قدرت متشکل توده ای قرار نگرفته، همچنان پراکنده هرچند با ایجاد گسترده ادامه پیدا کند، نهایتاً در نبودن آن عامل تدابیر و قدرتمندی چنین مبارزاتی یعنی امر تشکله توده ای، نخواهد توانست به پیروزیهای پایداری در قبال سیاست های رژیم نائل آید.

تجربه نشان داده است که مزدوران رژیم در اغلب موارد مجبور به عقب نشینی شده و به اراده توده های معترض تکیه نموده اند و حتی در بسیاری موارد با توجه به روحیه نهاجمعی توده های زحمتکش با فراغت کاملی نیز چنین عقب نشینی را پذیرا شده اند ولی در بسیاری از همین موارد، بار دیگر و این بار با ساز و برگ و تمهیدات جدیدی در صدر اجرای سیاست خود بر آمده اند. این امر قبل از همه بیانگر آن است که بدون آن که با چنین مبارزاتی برخورد سازمانگراانه نشود، پیروزیهای بدست آمده در آنها، به آسانی می تواند با اندک تغییراتی در وضعیت و با توجه به تجربه قبلی مزدوران رژیم در هم شکسته شود. بویژه از آن رو که چنین موفقیت های خودبخودی که گاه حتی با خوشخیالی زحمتکشان نیز ممکن است توأم گردد، به زودی در فقدان هرگونه جمع بندی و ارتقاء آنها به نزد خود محو می تواند مبدل گردد.

امروز باید تلاش نمود بر زمینه همین مبارزات اعتراضی، و بر بستر موجودیت آنها، هسته های اصلی تشکله توده ای برای هدایت آنها ایجاد کرد که علاوه بر به ثمر رساندن اینگونه

مبارزات اعتراضی تحت شعارهای مشخص و هدفمند انقلابی، خود این اعتراضات را به عاقلی قدرتمند در مقابل همه جانبه با رژیم جمهوری اسلامی در کردستان مبدل ساخت. باید سیاستهای روشن و مشخص برای هدایت این اعتراضات چه در شهرها و چه در روستاها و پیوند دادن آنها به همدیگر اتخاذ نمود. امکان جمع بندی عظیمی از آنها را فراهم کرده، با هدایت هدفمند آنها پایگاه توده ای جنبش خود را متشکل نمود.

نگاهی به اخبار جنبش توده ای در کردستان بویژه در شش ماه گذشته (که بطور مرتب در ریگای گول منتشر شده است) اهمیت جنبش پرخوردی به این اعتراضات گسترده توده ای را هرچه بیشتر آشکار می سازد. بویژه اهمیت صالیه زمانی حد چندان می شود که به این واقعیت معترف باشیم که آن چیزی که، تدابیر هرچه قدرتمند جنبش کنونی در کردستان را تضمین نموده و بعد از این نیز مطمئناً خواهد نمود، همین پایگاه وسیع و گسترده توده ای آن است که محل تغذیه اصلی این جنبش همانا خود همین پایگاه است. این توده های کارگر و زحمتکش خلق کرد هستند که بار اصلی این جنبش را بر دوش کشیده و در طول شش سال گذشته با این توده تمام بر ادامه یلانیضاع آن در زیر شدیدترین سرکوب و کشتار و قارت مزدوران رژیم پای فشرده اند. و بویژه سرکوبگران را به خاک مالیده و بر اهداف انقلابی - دمکراتیک جنبش کنونی و حقوق حقه خود پای فشرده اند و هم اینکه نیز مبارزات اعتراضی آنها در مناطق مختلف کردستان علیه مزدوران رژیم آن بخش مهمی از این مبارزات عظیم و به هم پیوسته است که می باید به آن اهمیت لازم داده شود و سازماندهی آن بعنوان یک وظیفه تخطی ناپذیر تلقی گردد و بعنوان یک منبع قدرت در جنبش کنونی و برای حصول به اهداف پیرومند آن در نظر گرفته شود. و هر آن نیرویی که امروز ادعای رهبری جنبش را دارد باید در این زمینه و در واقعیت عظیم رهبری و نه ادعایی آن، به این مسأله جامعه عمل پیوشاند و شرایط در صفحه ۱۲

نامه اهالی سنندج در مورد درگیری حزب دمکرات و کومه له

چارچوب شخصی برای فعالیت نیروهای سیاسی در کردستان را در سرلوحه سیاست های خود قرار دهند.

ما جهت انعکاس این خواست توده های خلق کرد عین نامه اهالی سنندج را در روزگاری که به چاپ می رسانیم و از کمیته نیروهای انقلابی و مردمی و عتکشی سران کردستان می خواهیم که با تمام توان و انرژی خود، برای پاسداری از دستاوردهای دمکراتیک جنبش انقلابی خلق کرد و در راه پایان دادن به درگیری های کثونی از هیچ کوششی فروگذار نکنند و چهره آن سیاستهای را که ادامه این درگیریها را امکانپذیر ساخته است، هرچه بیشتر افشاء نموده، بار بار بپارچه و متحد خود را در مقابل هر آن نیرویی قرار دهند که بر ادامه بلا انقطاع این درگیریها، اصرار دارد و منافع سیاستهای خود را در تسمه این درگیری قیادین پیشمرگان انقلابی خلق کرد و در محو دستاوردهای آن جستجو می کند.

به نظر رژیم جمهوری اسلامی و قطعاً به ضرر جنبش انقلابی خلق کرد می دانند و این همه را با تمامی وجود خود احساس می کنند مردمی که با تمامی امکانات خود در طول شش سال گذشته، برای رسیدن به اهداف انقلابی خود، از هیچ کوششی فروگذار نکرده اند و بار اولی مبارزه کثونی را با استواری تمام بر دوش خود، کشیده اند، و با تمامی هستی خود را وثیقه پیشبرد مبارزه جاری قرار داده اند.

نامه مردم سنندج به سازمانهای سیاسی، بیان روشنی از خواست درونی خلق کرد است که باید نیروهای سیاسی در کردستان به آن پاسخ مشخص داده، قبل از همه راه قطع درگیریهای کثونی را هموار ساخته، و ضرورت رسیدن به

در اوایل شهریور ماه، قطعنامه ای از سوی تعدادی از اهالی، خانواده شهدا و پیشمرگان شهر سنندج، به سازمان ما رسیده است که بیانگر مخالفت جدی آنها، با ادامه درگیری های کثونی حزب دمکرات و کومه له، و حاوی خواست آنها مبنی بر قطع درگیریهای کثونی یعنی اکثریتش بدون قید و شرط و فوری و حل اختلافات قیادین از طریق سیاسی و سلامت آمیز و بر سر میز مذاکره است.

در حقیقت این قطعنامه نمونه گویایی از خواست توده های است که در سرلوحه کردستان، با ادامه بلا انقطاع درگیریهای کثونی بخش عظیمی از دستاوردهای مبارزات خود را در معرض خطر می بینند و ادامه این درگیریها را تنها

بسیار نامه ای خه لکی شاری سنه و خانه واده ی خه هید و پینمه ره گه کان

- ۱- نیمه خطکی شاری سنه و خا نموده ی پینمه ره گه، شهری چه کدارانه ی نیوان کومه له و حیزی دمکرات به زه ره ری جولانه وه ی شورشگیرا نه ی که لسی گورد نسیزانین .
 - ۲- داوا کارین که هم شه ره به بیسی هیچ به هان به نه کوتایی بی بییت و تا کتر به س ره س بیسه جی به ر قه رار پسریت .
 - ۳- هه ر دک لا نینخلافاتی سیاسی نیوانان به نیوه ی هینانه و سیاسی وله ریگای وتویزه وه به رنه پیش .
 - ۴- له هه ر دک لا داوا ده که بن که هم به ران نامه به له رادی که پانه وه بخینه وه وه نیشزارمان هه به بهم داخوانانی نیمه که داخوانی هه مو که لسی گورد و زه حه تکیسانی کوردستانه وه لاسی موسیبت پندرته وه .
 - به هیوای نه واو بوونی هم شه ره و سه ره که وتنی شورشسی ره وای که لسی گورد وینه بیو .
 - ۱- کومپته ی ناوه ندی کومه له (سازمانسی کوردستانی حیزی کومونیتی تیران)
 - ۲- ده قه ری سیاسی حیزی دیوکراتسی کوردستانی تیران
 - ۳- ده قه ری سیاسی سازمانسی مو جاهدینی خه لکی تیران .
 - ۴- ده قه ری سیاسی سازمانسی فیداییه کانی خه لکی تیران (له قه لیت)
- نیمه ی ده ری ۱۳۰ نه ره

قطعنامه بخشی از اهالی سنندج و خانواده شهدا و پیشمرگان (در مورد مسئله جنگ بین حزب دمکرات و کومه له)

- ۱- ما، اهالی شهر سنندج و خانواده پیشمرگان، جنگ مسلحانه میان کومه له و حزب دمکرات را به ضرر جنبش انقلابی خلق کرد می دانیم .
 - ۲- خواستار آنیم که این جنگ بدون هیچ بهیانه و عذری (بی قید و شرط) خاتمه یافته و آتش بس (فوری) برقرار گردد .
 - ۳- طرفین، اختلافات خود را به شیوه آرام سیاسی و از طریق گفتگو بر سر میز مذاکره به پیش ببرند .
 - ۴- از هر دو طرفی خواستاریم که این نظرات (قطعنامه) را از طریق راهپوش خود بخش نموده و انتظار داریم که به خواست ما که همانا خواست خلق کرد است جواب مثبت بدهند .
- به امید خاتمه یافتن این جنگ (جنگ حزب و کومه له) و پیروزی جنبش خلق کرد رو نوشت به :
- ۱- کمیته مرکزی کومه له (سازمان کردستان حزب کمونیست ایران)
 - ۲- دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان ایران
 - ۳- دفتر سیاسی سازمان مجاهدین خلق ایران
 - ۴- دفتر سیاسی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اقلیت)

بااضاه حدود ۱۳۰ نفر

اخبار

عملیات پیشمرگان فدائی

* حمله به پایگاه

در جریان جوله سیاسی - نظامی پیشمرگان قهرمان سازمان در منطقه بانه روز ۲۷ مرداد یک واحد از رزمندگان فدائی طبق طرح دقیق و از پیش تعیین شده خود، پایگاه گویزی را که یکی از مراکز استقرار نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی در منطقه بانه می باشد، مورد تهاجم دلیرانه و انقلابی خود قرار دادند.

واحد عملیاتی پیشمرگان فدائی قبل از آغاز عملیات، ابتدا در مواضع مسلط بر پایگاه سنگر گرفتند. سپس در ساعت هفت و پانزده دقیقه با شلیک نخستین موشک آرمبی، جی به داخل پایگاه مذکور عملیات شروع نمود. بلافاصله رگبار مسلسلهای پیشمرگان دلیری که در نقاط مختلف مشرف به پایگاه مستقر بودند بسوی مواضع استقرار نفوذ دشمن در داخل پایگاه گشوده شد. غرض بی امان سلاجهای پیشمرگان که با انفجار ناشی از شلیک موشکهای آرمبی، جی همراه بود چنان ولوله و هراسی در میان مزدوران جنایتکار دشمن بوجود آورد که امکان هرگونه واکنشی را از آنان سلب کرده بود.

مزدوران مستقر در پایگاههای کانی سور و سرجاهه که از حمله پیشمرگان قهرمان فدائی به پایگاه گویزی مطلع شدند برای نجات جان همدستان جنایتکار خود و در حراس از سقوط پایگاه شروع به خمپاره باران مواضع پیشمرگان فدائی کردند که بدلیل تحرک دقیق رفقا کمترین آسیبی به آنان وارد نیامد.

عملیات ضربتی رفقای پیشمرگه سازمان حدود نهم ساعت بطول انجامید و فقط بعد از کوبیدن پایگاه بسا آرایشی انقلابی عقب نشینی کردند و در میان استقبال پرشور توده ها به یکی از روستاهای منطقه وارد شدند. نیروهای دشمن در انتظام از عملیات قهرمانانه پیشمرگان فدائی با درنده خوئی تمام به توپ بساران روستاهای اطراف پایگاه از جمله روستای گویزی بود اختند، که خوشبختانه هیچگونه آسیبی به مردم نرسید.

* کنترل جاده

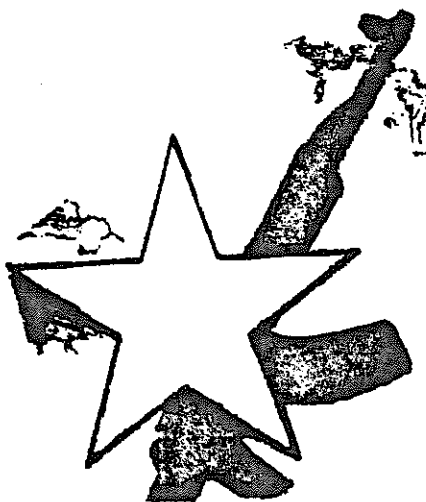
ساعت ۵/۵ بعد از ظهر روز بیستم مرداد ماه یک واحد از پیشمرگان فدائی جاده بانه سن - کانی سور واقع در منطقه بانه را به کنترل خود درآوردند.

رفقای پیشمرگه ضمن بازسازی اتومبیلهایی که در این جاده تردد می کردند مبادرت به بخش اعلامیه، تراکت و نشریات سازمان در میان مسافرن نمودند.

عملیات تبلیغی پیشمرگان فدائی در این منطقه که در میان پایگاههای مستقر رژیم قرار داشت حدود یک ساعت بطول انجامید و مورد استقبال وسیع مردم قرار گرفت.

* مین گذاری

روز ۱۵ مرداد در اثر انفجار یک مین ضد نفر که توسط پیشمرگان فدائی در جاده آرموده - گرماب کار گذاشته شده بود یکی از مزدوران سرکوبگر جمهوری اسلامی به هلاکت رسید.



حزب دمکرات و ...

از صفحه ۱
بگردد. حزب دمکرات دو این زمینه حرکت
پرتیب موجود میان نیروهای
سیاسی را زیر پا گذاشته،
پس اعتقادی خود به وجود
رابطه متقابل با نیروهای سیاسی
را بر بنیان اصول شناخته شده ای
که در سطح جنبش و در مناسبات
فیمابین نیروهای سیاسی وجود
دارد، به نمایش گذارده است.

اما واقعیت چیست؟ و حزب

دمکرات چرا به تعریف آن دست
باز کرده است؟

واقعیت این است که رهبری
حزب دمکرات تحت فشار سیاسی
هفته جانیه ای که قرار داشت با
ارسال نامه ۱۴ تیرماه ۲۴
دبیرخانه خود به سازمانهای سیاسی
در کردستان، به آنها پیشنهاد
(۱۴) نمود که برای رفع
سوء تفاهم و کدورت و
جلوگیری از "حدوث رویدادهای
ناگوار" نمایند خود را به دفتر
سیاسی اعزام دارند. در غیر
اینصورت "به گفتاوه سواداران

خود توصیه نمایند که در هنگام
پرخورد با پیشمرگان حزب
کارت یا برگ شناسایی سازمانی
خود را (اگر تازه حال کارت
یا برگ شناسایی حزب دمکرات
را ارائه نموده اند) ارائه نمایند
و ضرورت این کار را امر جلوگیری
از فعالیت خرابکارانه افراد مشکوک
و به اضافه بروز حوادث ناگوار
در میان سازمانهای اپوزیسیون
اعلام نمود.
(تاکید ما از ما)

این نامه حزب دمکرات را در زیر کتیبه می کنیم:

رفقای گرامی، سازمان جریکهای فدائی خلق ایران

با درودهای انقلابی

همچنانکه میدانید بعلت تداوم مقاومت دلیران، پیشمرگان حزب دمکرات کردستان ایران در برابر
بیورش سبانه رژیم فد خلقی و واپسگرایی خمینی، پیشمرگان حزب در سراسر کردستان حضور دارند.
همچنین اعضا و هواداران سازمانهای دیگر اپوزیسیون در کردستان به حضور و رفت و آمد خود ادامه
میدهند. در برخی موارد بعلت عدم شناخت متقابل حوادثی روی داده که موجب ایجاد سوء تفاهم
و کدورت بین این سازمانها و حزب دمکرات گردیده است.

لذا بمنظور حفظ فضای کاملاً دمکراتیک موجود برای فعالیت سازمانهای اپوزیسیون در کردستان
با دارد ترتیبی داده شود تا از حدوث رویدادهای ناگوار پیشگیری بعمل آید. بنا بر این پیشنهاد
میکنیم:

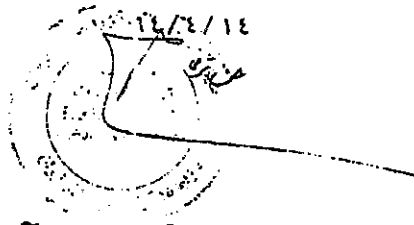
۱- سازمانهایی که مایل به همکاری با حزب دمکرات کردستان ایران هستند و در چهارچوب
فعالیت سازمانی شان انتظار کم دوستانه از کمیته ها و پیشمرگان حزب دارند، نمایند "خود را به
دفتر سیاسی اعزام دارند تا پیرامون نحوه این همکاری بحث و توافق بعمل آید.

۲- سازمانهایی که مایل به همکاری عملی با حزب دمکرات کردستان ایران نیستند و انتظاری از
کمیته ها و پیشمرگان حزب ندارند به اعضا و هواداران خود توصیه نمایند که در هنگام برخورد با
پیشمرگان حزب کارت یا برگ شناسایی سازمانی خود را ارائه نمایند. البته متقابلاً پیشمرگان حزب
نیز به همین ترتیب رفتار خواهند نمود.

اینکار از رفت و آمد و فعالیت خرابکارانه افراد مشکوک و عمال رژیم خمینی و از بروز حوادث ناگوار
در میان سازمانهای اپوزیسیون جلوگیری بعمل خواهد آورد.

با درودهای مجدد

دبیرخانه کمیته مرکزی حزب دمکرات
کردستان ایران



ما بعد از دریافت
نامه فوق باخشی
را به این نامه ارسال
داشتیم که در آن ضمن
تاکید بر حفظ فضای
دمکراتیک در کردستان
و التزام همه آن
رهبری حزب دمکرات
از تخطئه مناسبات
متقابل نیروهای
سیاسی در کردستان
و تقسیم آنها به
حکامان و غیر
پرخورد داشتن و بهانه
- جسوسی حزب دمکرات
را پیرامون کارت شناسایی
و غیره (که در مورد
خود ما علاوه بر
رفقای پیشمرگ که دارای
کارت سازمانی هستند،
می توانست در درجه اول
شامل حال سواداران و
اعضایی از سازمان ما
که از مناطق دیگر
ایران به تشکیلات
سازمان در کردستان
به سر دلگویی
مرجمه می نمایند
باشند) متفلسفی
دانسته و نومید -
جریسی حزب دمکرات
به امر مشکوک بودن
پساً نبودن افراد
در این زمینه
را تهر قنابل
نوجیه نمردیم،
امری که تشخیص
آن تنها در صلاحیت
سازمانی است که
فرد میذکور
معلق به آن است.

ما همین پاسخ به نامه حزب دمکرات را در زیر چاپ می کنیم :

حزب دمکرات و ...

طی یک گفتار رادیویی تهدید- آمیز دست یازید. حزب دمکرات در این گفتار سازمان های سیاسی "فهر همکار" را تا حد پاسدار و جاش تشکر داده از پیشمرگان خود خواست با توسل به هر بیانه ای با آنها چنان رفتار کنند که با جانشینان و پاسداران می کنند و راه را بر هرگونه "سوت تفاهم" و "پروژه حوادث ناگوار" بسته شوه خود عملاً باز گذاشت و هدف خود را از ارسال نامه مورخه ۱۴ تیرماه ۶۴ روشنتر ساخت. با زور و به سیاستهای حزب دمکرات را اضا می کنید، رهبری حزب دمکرات و همکاری با آن را می پذیرید و با این که کردستان مکان بی صاحبی نیست. منطقه حزب دمکرات در این گفتار چیزی بیشتر از این نبود، منطق بی منطقی، منطق زور.

بلافاصله بعد از این گفتار رادیویی، مسئولین حزب دمکرات، تلاش نمودند که این سیاست رهبری خود را در منطقه بانسه و در مورد پیشمرگان سازمان ما عملی نمایند. و در مقابل ارائه کارت از سوی رفقای ما، به آنها توهین نموده و اعلام نمودند که فقط معرفی نامیده دفتر سیاسی حزب دمکرات برای آنها اعتبار دارد نه چیز دیگری. آنها آشکارا اعلام نمودند که بدون "جواز صورت" دفتر سیاسی حزب دمکرات، کسی حق حضور در منطقه را ندارد. اگر چه آنها موفق به اعمال سیاست خود در مورد جلوگیری از فعالیت رفقای ما نشدند، اما انواع و اقسام اتهامات و توهین و کار شکنی را برای جلوگیری از حرکت سیاسی نظامی رفقای ما در بانه به کار بستند و در مقابل متانت و منطق سیاسی و عزم رفقای ما مجبور به عقب نشینی شدند و ما بلافاصله بعد از اطلاع از موضوع طی نامه مورخه ۳۱/ تیر / ۶۴ به دفتر سیاسی حزب دمکرات ضرورت اجتناب از ادامه این سیاست خصمانه را تذکر شده، و برای اطلاع دیگر سازمانهای سیاسی، عین نامه را به کلیه نیروهای سیاسی، نیز ارسال نمودیم. لازم به ذکر نیست که ما قبل از آن طی سه مقاله رنگی که ل شماره ۳۱، تاثیرات این سیاست حزب دمکرات در مناجات فیمابین نیروهای سیاسی را مورد بررسی قرار داده بودیم.

دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان ایران
رفقا و دوستان
پسایرودهای انقلابی

عطف به ضمن نامه مورخ ۱۴/۴/۶۴ دبیرخانه آن حزب، بدین وسیله موکداً اعلام می دارد که ما خود را ملزم و متعهد به حفظ فضای دمکراتیک برای فعالیت سیاسی و نظامی سازمانها و احزاب سیاسی در کردستان دانسته و در این زمینه همانطور که بارها اعلام داشته ایم، مخالف سرسخت هرگونه برخورد غیر دمکراتیک در مناسبات فیمابین نیروها بوده و خواهشمان گسترش هرچه بیشتر اتحاد عمل و همکاری فیمابین آنهاست. لذا در باره موارد مورد اشاره در نامه مذکور لازم به تذکر می دانیم که:

اولاً: ما علیرغم تمامی اختلافات مشخص و موجود در زمینه مسائل مهم جنبش کنونی خواهان قطع همکاری های متقابل با نیروهای سیاسی در کردستان نبوده و نیستیم، عملاً توافق یا عدم توافق بر سر چنین مسائلی زمینه ای برای گسترش یا عدم گسترش آنی چنین همکاری هایی بوده و هست.

ثانیاً: این یک امر بدیهی است که هر نیرویی که در کردستان فعالیت سیاسی و نظامی داشته باشد، با هیت مشخص خود حرکت می کند، از این نقطه نظر تردیدی نیست که معرفی متقابل طرفین در مناطق یک امر طبیعی است. اما اگر منظور رفقا و دوستان حزبی، مساله مراجعات هواداران سازمان از دیگر نقاط کشور باشد. ارائه معرفی نامه در این گونه موارد، نه تنها امکان پذیر نبوده و نیست، بلکه بنا به شرایط مبارزه در دیگر نقاط امری کاملاً متغی است. چرا که بر هیچ کس پوشیده نیست که حمل هرگونه کارت یا ورقه شناسایی برای رفقای دیگر نقاط ایران بدلائیل امنیتی امکان پذیر نبوده و نیست. در این گونه موارد، انتظار اصولی نه تنها از حزب دمکرات بلکه از کلیه نیروها این است که گماکان همکاری لازم را جهت راهنمایی این رفقا به مقرات سازمان به عمل آورند.

ثالثاً: بدیهی است که فراتر از موارد مشکوک بودن یا نبودن چنین افرادی در صلاحیت سازمان مربوطه است.

با درود مجدد
سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
کهنه کردستان
۲۲ / تیر / ۶۴

رویدادهای ناگوار و خصمانه در پایان نامه با تاکید بر "پروژه حوادث ناگوار" به سازمانهای تحری همکار ضمیم این نامه - همکاری را بفرمائید، امری که حزب دمکرات بعد از دریافت پاسخ نامه اش به علنی کردن آن

حزب دمکرات که در این نامه، سازمان های سیاسی "همکار" را به انضمام نماینده به دفتر سیاسی فرا خوانده بود، در عین حال تلاش نموده بود که با طرح مساله کارت شناسایی و ردیف کردن "سوت تفاهم"، حدوث

ما نامه ۳۱ / تیر / ۶۴ به دفتر سیاسی حزب دمکرات در مورد برخورد های مسئولین حزب در باره را عیناً کپی شده می کنیم :

حزب دمکرات و ...

آغاز ششمین سال ...

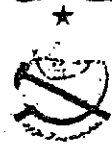
از صفحه ۱۹
محمود نمود .

اما با تمام این لشکر کشیها، رژیم مرتجع جمهوری اسلامی نتوانست در کردستان جز ایجاد پایگاههای متعدد در هر لحظه مورد هجوم قهرمانانه پیشمرگان قرار داشته و عملاً به زندانی برای مزدوران آن تبدیل شده اند ، به موفقیت چندانی دست نیاورد . اگر چه در بعضی مناطق محدودیت های معینی را ایجاد نمود ، ولی به هیچ وجه نتوانست بر تحرک پیشمرگان و قدرت رزمی آنها فائق آید ، و در عمل با تحرک پارتیزانی گسترده و وسیع در مقیاس سازمانی کردستان روبرو گردید که هر لحظه در اقصی نقاط کردستان ، به زیان گلوله با مزدوران رژیم سخن می گویند .

جنگ ارتجاعی دولتی ایران و عراقی در کردستان انقلابی، علاوه بر آن که تاثیرات عمومی خود در سایر نقاط ایران از قبیل صرانی و آوارگی مزید بر صرانی های ناشی از یورش های مستقیم رژیم جمهوری اسلامی برجای گذاشته است ، قبل از همه خود بعنوان عامل مهمی در بسیج نیرو علیه خلق کرد نیز عمل کرده و در حقیقت در کردستان انقلابی بیش از هر جای دیگری به سرپوشی بر سیاست های ارتجاعی و مرکزگرای رژیم تبدیل گشته است .

این جنگ در طول پنج سال گذشته بیش از پیش بر آبشار جنایات سرکوبگران در کردستان چه از طریق بمبارانهای هوایی و چه از طریق یورش های هر چه گسترده تر افزوده است . جنگی که امروز خود به تابعی از وضعیت بحرانی حاکم بر ایران و یکی از نمود های آن تبدیل شده است ، و تنها راه پایان دادن به آن ، بدون تردید نه شکست رژیم در صرانه جنگ خارجی و تعیین تکلیف جنگ در صرانه ها ، بلکه بیش از همه و قبل از همه در گسرتن شکست قطعی آن در مبارزه انقلابی داخلی و در مقابل جنبش توده های کارگران و زحمتکشان سراسر ایران و از جمله کردستان است .

امروز دیگر آغاز ششمین در صفحه ۱۹



سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
کمیته کردستان

دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان ایران
دوستان !

طبق اطلاع رسیده از منطقه بانه ، مسئولین نظامی حزب دمکرات در این منطقه ، در چند روز گذشته در باره ازکوت نظامی و نقای ما دعوت تفریحی آنها علیه پایه های رژیم جمهوری اسلامی در این منطقه جلوگیری بعمل آورده و با انواع تهدیدات از جمله کشتن اسامه ، ازک غنچه ، و تهدید و اذیت علیه پیشمرگان سازمان ما ، متکثر نموده اند . اتفاقات آشفته علیه مزدوران رژیم جمهوری اسلامی را محمود نمایند . آشفته رستا و عیناً اعلام کرد . اندک روز سیاسی حزب دمکرات دستور جلوگیری از فعالیت سیاسی و نظامی و نقای ما و سایر نیروهای انقلابی را علیه رژیم صادر کرد .

از پیرو این گونه برخورد های خصمانه و ضد دمکراتیک مسئولین حزب در منطقه بانه ، ای ارتباط و جدا از اطلاعات تهیه این دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان و گفتار های رادیکال افروزان ، همین بر برخورد های خصمانه با نیروهای انقلابی است که به رهبری ادعای حزب دمکرات در جنبش انقلاب خلق کردستان می کند . این فیت این هم هاگم که در موارد قبلی نیز مذکور بود ، چنین برخورد هایی را حتماً به دفتر سیاسی حزب دمکرات متذکرانیم ، امروز نیز به این رسیده شد که رژیم که دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان می ، به از هر گونه برخورد های خصمانه با پیشمرگان و جنبش انقلابی خلق کردستان ، دست بردارده و در این اوضاع و احوال از این خلق می راندند .

نکته اول : از پیرو این گونه برخوردهای خصمانه و ضد دمکراتیک مسئولین حزب در منطقه بانه ، ای ارتباط و جدا از اطلاعات تهیه این دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان و گفتار های رادیکال افروزان ، همین بر برخورد های خصمانه با نیروهای انقلابی است که به رهبری ادعای حزب دمکرات در جنبش انقلاب خلق کردستان می کند . این فیت این هم هاگم که در موارد قبلی نیز مذکور بود ، چنین برخورد هایی را حتماً به دفتر سیاسی حزب دمکرات متذکرانیم ، امروز نیز به این رسیده شد که رژیم که دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان می ، به از هر گونه برخورد های خصمانه با پیشمرگان و جنبش انقلابی خلق کردستان ، دست بردارده و در این اوضاع و احوال از این خلق می راندند .

نکته دوم : از پیرو این گونه برخوردهای خصمانه و ضد دمکراتیک مسئولین حزب در منطقه بانه ، ای ارتباط و جدا از اطلاعات تهیه این دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان و گفتار های رادیکال افروزان ، همین بر برخورد های خصمانه با نیروهای انقلابی است که به رهبری ادعای حزب دمکرات در جنبش انقلاب خلق کردستان می کند . این فیت این هم هاگم که در موارد قبلی نیز مذکور بود ، چنین برخورد هایی را حتماً به دفتر سیاسی حزب دمکرات متذکرانیم ، امروز نیز به این رسیده شد که رژیم که دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان می ، به از هر گونه برخورد های خصمانه با پیشمرگان و جنبش انقلابی خلق کردستان ، دست بردارده و در این اوضاع و احوال از این خلق می راندند .

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
کمیته کردستان
۶۴ / تیر / ۳۱

از نوشتن به کمیته نیروهای سیاسی کردستان
از نوشتن به کمیته نیروهای سیاسی و دمکرات ایران و جهان

پافشاری بر ادعاه در کپیها و تهدید احزاب و سازمانهای سیاسی و همکاریهای معمول این حزب همین در رویکردی و تحریف واقعیات مشخص می کند که در انتظارات با سیاستهای عمومی حزب دمکرات در قبال اهداف و چشم اندازهای جنبش کثرتی ، مجبوریم به هم پیوسته ای را تشکیل می دهند که دیگر به وجه مشخصه حزب دمکرات در عرصه سیاسی کثرتی کردستان تبدیل گردیده است .

اما امروز که رهبری حزب دمکرات فقط به انتشار نتیجه گیری این نامه دست می زند ، در حقیقت در تلاش آن است که به سر سیاست های ورشکسته خود در این زمینه ، برده ماسک افکنده ، در همین حال این برخورد خود را ضمیمه دروغ پر آکنده ها و فواقیسی های رسمی از بلندگوی رادیو کردستان خود سازد ، ولی چه کسی نمی داند که سیاست سیاسی امروز حزب دمکرات را علاوه بر

انقلاب در کردستان

با فرا رسیدن آخرین روزهای شهریور ماه جنگ ایران و عراق وارد ششمین سال خود می شود. این جنگ در طول پنج سال گذشته، علاوه بر آنکه در وضعیت عمومی جامعه بحران زده ایران، بعنوان یک عامل مهم در تشدید بحران عمل نموده است، زمینه ساز بسیاری از سیاست های رژیم در سرکوب جنبش انقلابی توده ای گذشته است و بعنوان نمعی و مفری برای رژیم در حفظ حیات فکلیمن خود مطرح بوده است. و رژیم در این زمینه بیشتر - بهره را از آن جسته است.

این جنگ که از اواخر شهریور ۵۹ تاکنون بلا انقطاع ادامه داشته است، در طول پنج سال گذشته بیشترین لطامات جانی و مالی را به کارگران و زحمتکشان هر دو کشور وارد آورده، به آوارگی و خانه خرابی میلیونها نفر و به کشته و مجروح شدن صدها هزار نفر منجر گردیده است و بخش عظیمی از منابع درآمد هر دو کشور را به نبرد اختصاص داده، تمامی ارکان گسی اجتماعی هر دو کشور را هم ریخته است.

جنگ ارتجاعی دولتین ایران و عراق با تداوم صیرانگرو بلاوقته خود، امروز در روند مبارزه طبقاتی جامعه ایران به گره گاه مهمی تبدیل گردیده است، تاثيرات مهمی را در روند تحولات اجتماعی در ایران برجای گذاشته است. اگرچه در اوایل این جنگ رژیم در سرکوب توده ها از آن بهره برداری های زیادی نمود، ولی امروز دیگر گذشت زمان و تداوم بلاوقته و فرسایشی آن در عمل، خود بیکی از عوامل اصلی نارضایتی و فقر و فلاکت عمومی نیز تبدیل گشته است و بخش مهمی از توده های ضوهمی را که در آغاز جنگ حول شعارهای رژیم برای افرخته - نگهداشتن کوره های این جنگ خانمانسوز، بسیج می شدند، به

صفوف ناراضیان و قربانیان این جنگ رانده است و این امر قدرت بسیج توده ای ارتجاعی رژیم را هر چه بیشتر از میان برده و عملاً با ادامه بلا تکلیف جنگ وعدم تحقق وعده های پکان - اسلامی سردمداران حاکم، به هیچ رسانده است.

در ششمین سال جنگ اگرچه ادامه آن، برای رژیم - بویژه در شرایط بحرانی کنونی - دشوار ولی حیاتی است، در عین حال رشد هر چه بیشتر نارضایتی عمومی توده ای آن واقعیت عینی است که هیچ چیز حتی جنگ قادر به سرکوب نهادن بر آن نیست حتی عامل دامن زدن به آن نیز هست. واقعیتی که انعکاس خود را در نشئت درونی صفوف رژیم بیشتر از پیش آشکار می سازد.

رژیم جمهوری اسلامی دیگر هر گونه قدرت تهاجمی خود را از دست داده است، دیگر از تدبیرات که از امواج انسانی و حملات پرتلفات خبری نیست و مسلماً در آینده نیز براهی نخواهد بود، هیچ کفر فراموش نکرده است که آخرین تلاشهای رژیم در این زمینه با چه شکستهای مخفخانه ای روبرو گشتند.

از سوی دیگر رژیم عراق نیز هر گونه قدرت تهاجمی خود را سالب است از دست داده است و جز در مراحل اولیه جنگ همیشه وضعیت تدافعی داشته است و در قبایل پورش های رژیم جمهوری اسلامی تنها با اتکا به استحكامات دفاعی خود توانسته است، مقاومت نماید. ولی رژیم عراق در طول یک سال گذشته به موازات خنثی نمودن پورش صیجهای انسانی رژیم جمهوری اسلامی، با استفاده از برتری هوایی و تسلیحاتی خود، حملات گسترده ای را به مناطق سکونی و منابع و مصبات اقتصادی رژیم انجام داده است که در طبعی بسیاری از این حملات و حشیانه به

شهرهای مختلف ایران از جمله شهرهای کردستان همچون سنز و سنندج، پیرانشهر، سروان و بانه ... خانه و کانیانه مردم زحمتکش جامعه را آماج حملات خود نموده و به ویرانه تبدیل ساخته است و تعداد زیادی از آنها را قربانی اهدافی ضد انسانی این جنگ نموده است و حتی بسیاری از شهرها، از جمله شهر بانه در کردستان را کاملاً ویران و خالی از سکنه ساخته است. روندی که علیرغم توقف مقطعی هر از چند - گاهی دوباره آغاز شده است و بطور پراکنده همچنان ادامه داشته است.

اما کردستان انقلابی علاوه بر آن که شهرهای آن مورد بسیاری از قرار گرفته است، در چند سال گذشته خود نیز بخشی از جبهه جنگ ارتجاعی دولتین ایران و عراق محسوب می گشت که رژیم ایران اهداف مهمی را در کشتن این جنگ به عرصه کردستان دنبال می نموده است که قبل از همه نه خود پیروزی در این جبهه از جنگ، بلکه آشکارا سرکوب هر چه گسترده تر جنبش انقلابی خلق کرد و تمرکز هر چه بیشتر نیرو در کردستان به بهانه جنگ با عراق و گسترش حوزه پایتاهای متعدد خود در اقصی نقاط کردستان و قطع راههای ارتباطی مناطق مختلف آن بود.

در حقیقت رژیم زمانی به فکر ایجاد چنین جبهه ای در کردستان افتاد که بعد از پیروزی راندن نیروهای رژیم عراق از جنوب و سازماندهی چند حمله ناگام به خاک عراق، عملاً نتوانست حمله تعیین کننده ای را در جنوب سازماندهی نماید و بخش عمده ای از نیروی خود را به نیروهای سرکوبگری طغی نمود که در کردستان به سرکوب جنبش انقلابی خلق کرد، مشغول بود و به بهانه گشایش جبهه جنگ علیه رژیم عراق، لشکرکشی صیجی را علیه خلق کرد آغاز نمود و با تمام امکانات، انرژی و توان خود، حمله به مناطق آزاد در کردستان را آغاز نمود و عملاً به چند حمله ناچیز علیه رژیم عراق بسنده نموده، عسده تلاش خود را به سرکوب جنبش انقلابی خلق کرد، در صفحه ۷

برای برقراری صلحی دمکراتیک، جنگ ارتجاعی را به جنگ داخلی علیه رژیم تبدیل کنیم

اخبار جنبش توده‌ای

اعتراضات توده‌ای علیه

تسلیح اجباری

مزدوران رژیم طی یک ماه گذشته نیز جهت تسلیح اجباری توده‌های خلقی کرد به نفع رژیم، به تلاش‌های مذبوحانه خود ادامه دادند. رژیم پهلوی در کشور جمهوری اسلامی که علیه رژیم پهلوی خشن‌ترین شیوه‌های سرکوب در کردستان قهرمان توانسته است به اهداف و سیاست‌های ارتجاعی خود حاصه عمل بپوشد و هر روز از جانب پیشمرگان دلیر خلقی کرد تحمل ضربات مرگباری می‌شود با اتخاذه شیوه‌های مختلف کوشیده است تا توده‌های خلقی کرد را بزور مسلح کرده و از نیروی آنان علیه جنبش انقلابی خلقی کرد صود جوید. اما توسل به چنین تلاش‌های عبثی از سوی رژیم نه تنها موفقیتی برایش در بر نداشته بلکه همواره از جانب توده‌ها مورد اعتراض انقلابی قرار گرفته است. مزدوران رژیم که حتی با اعمال زور و تهدید نتوانسته‌اند توده‌ها را به نفع خود صلح کنند از ترس جان خود سلاح‌های بدین معنی را اجباراً در خانه‌هایشان نگذارند تا شاید روستائیان سلاح‌ها را پیش‌تر خود نگذارند. اما این عمل نیز با مقاومت و اعتراض توده‌ها روبه‌رو گشته است. آنان با پرتاب نمودن سلاح به بیرون از خانه تنفر و کینه عمیق خود را نسبت به مزدوران نشان داده‌اند. گزارشات زیر، مبین ناکامی مطلق رژیم در این زمینه است.

روستا و خصوصاً زنان ستمدیده، در مقابل این خواست ارتجاعی مزدوران شدیداً دست بسته اعتراض زده و به تمرین انقلابی علیه مزدوران می‌پردازند و با سنگ و چوبه به آنان حمله ور شده و شیشه‌های خود رو آنان را خرد می‌کنند. طی این درگیری دو نفر از پاسداران ارتجاعی به هلاکت می‌رسند و یک زن روستایی از ناحیه پا به شدت صدمه می‌بیند. مزدوران که با تحمل مشکلات و تلفات زیاد، نتوانسته بودند پنج نفر را دستگیر کنند، مجبور به فرار می‌شوند.

اعمال چنین سیاست‌های ارتجاعی و سرکوبگرانه منحصر به روستاهای سقز نبوده است و عوامل رژیم تا آنجا که می‌توانسته‌اند، در شهرها نیز به دنبال اهداف ضد مردمی خود در مردود تسلیح اجباری توده‌ها برآمده‌اند. مزدوران رژیم با همدستی جاش‌ها و خائنین شبها به خانه‌ها حمله می‌کنند و به غارت و چپاول اموال توده‌ها می‌پردازند. در همین رابطه چندین پیشمرگه محله‌های "حمال آباد" و "قرچی آباد" شهر سقز را شب هنگام مورد یورش وحشیانه خود قرار داده و به غارت و چپاول اموال اهالی می‌پردازند. وحشی که توده‌ها، برای رسیدگی به این مسئله به مراکز دولتی مراجعه می‌کنند.

مزدوران به آنها می‌گویند که اصلاح بردارید و از خود دفاع کنید. اما مردم که نیرنگ‌های رنگارنگ رژیم را به خوبی شناخته و ماهیت کینه غارتگران را دریافته‌اند، فریب دغل کارهای آنان را نمی‌خورند و در پاسخ می‌گویند: چنانچه بخواهیم سلاح شویم، می‌بایستی علیه پاسداران، جاش‌ها و عوامل وابسته به رژیم سلاح برداریم، چرا که آنها هستند که به غارت و چپاول اموال مردم می‌پردازند.

در ضمن زحمتکشان روستاهای "پدر عمران" و "قره چر" که پیش از این مورد یورش وحشیانه مزدوران واقع شده بودند، و سرکوبگران به بهانه تکبانی شیافته، و با اعمال زور و تهدید نتوانسته بودند چند قنده اصلاح به روستائیان تحویل کنند، سلاح‌های تحمیلی رژیم را پس داده‌اند.

به خود رو پاسداران حمله می‌کنند و از ورود آنان به ده جلوگیری می‌نمایند.

اهالی چند روستای دیگر این منطقه نیز ضمن مقاومت در مقابل خواست ارتجاعی مزدوران، به عنوان اعتراض، دست به حرکت دسته جمعی زده و به شهر سقز می‌روند.

در تاریخ نهم شهریورماه نیز جاش‌های روستای "مهرده" با همدستی پاسداران سرکوبگر جهت تسلیح اجباری توده‌ها، به روستای "شیخ چوپان" یورش می‌کنند. مزدوران با اعمال زور و سرکوب، مانع رفتن اهالی به سرکار و مزارع گشته، آنان را در مسجد روستا جمع می‌کنند و آنگاه از آنها می‌خواهند که به نفع رژیم سلاح گردانند. اهالی زحمتکش و به جان آمده

سقز

مزدوران رژیم برای تسلیح اجباری توده‌ها، زحمتکشان روستاهای منطقه "گورک" را تحت فشار قرار داده تا آنان را تسلیم سیاست‌های ارتجاعی خود کنند. اما اهالی بیشتر روستاهای این منطقه و بویژه روستاهای "طاهر پیسیده" و "تلاق" افغانان، که کنگراندان و "بوپنگان" به مقاومت انقلابی پرداخته و ضمن اعتراض به این سیاست‌ها، سرکوبگران را وادار به عقب‌نشینی می‌کنند. اهالی روستای "بوپنگان" پیش از آنکه مزدوران برای اجرای سیاست‌های خود وارد روستا شوند، راه ورود آنها را مسدود نموده ضمن دادن شعار علیه مزدوران، با سنگ و چوب

توده های اهالی، علی‌رغم بکارگیری این شیوه از سوی مزدوران، بسا صراحت از برداشتن اسلحه برای رژیم اجتناع کرده و مخالفت خود را اعلام می‌کنند. سرکوبگران که با مقاومت پیکارچه اهالی روبرو می‌گردند مجبور به آزاد کردن دستگیر شدگان می‌شوند.
همچنین روستاییان بسزور مسلح شده، ماوانه، کانی و کوران در منطقه سرگور بعد از اعتراضات گسترده نسبت به تسلیح اجباری خود، سلاح های تحمیلی رژیم را پس داده اند.

دست‌یابی به اهداف ارتجاعی خود، آنان را تحت شدیدترین فشارها قرار داده اند. از جمله چندی پیش روستاهای "علیه"، "روزی"، "نوی"، "سوسنای" و "منصور آباد" مورد بی‌ورش عوامل رژیم قرار می‌گیرند. سرکوبگران از هر روستا چندین از ریش سفیدان و معتدین را دستگیر و بزور به شهر روانه می‌کنند، تا با اعمال تهدید و ارهاب، از طریق آنها بتوانند به تسلیح اهالی روستاها بپردازند و به سیاست های ارتجاعی خود جامه عمل بپوشند. اسلحه



اخبار جنبش توده‌ای

ارومیه

مزدوران رژیم با همکاری فئودال ها و جانشینان برای تسلیح اجباری توده ها، روستایی های منطقه سرگور و براندوز - جای را مورد حمله وحشیانه قرار داده و برای

اعتراضات توده‌ای علیه

سربازگیری اجباری

مزدوران، با زور سرنیزه و اعمال شدیدترین فشارها، هفت نفر از جوانان را دستگیر و روانه پایگاههای رژیم می‌کنند.

اهالی بسیاری از روستاهای دیگر این منطقه و از جمله روستاهای بوپکان، کندلان و سیاربالا، نیز در قبال این سیاست ارتجاعی دست به اعتراض انقلابی زده اند. در همین رابطه مردم روستای شیخ چوبان با سرکوبگران درگیر می‌شوند، که طی آن چند نفر از اهالی و از جمله یکی از زنان دلاور روستا به شدت زخمی می‌شوند.
در روستای میرده، مزدوران برای جلوگیری از اعتراضات توده ها ده نفر از افسران و عمال خود را که قبل از آن نیز مدت ها مسلح و در خدمت رژیم بودند به سرانجام اعزام می‌کنند.

رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی بدنبال سیاست ها و اهداف فرد مردی خود در شهریور ماه نیز بسیاری از روستاهای کردستان را مورد هجوم وحشیانه قرار داده سرکوبگران با تکیه به زور اسلحه و تهدید و ارهاب، مذبحخانه تلاش نمودند تا با سربازگیری اجباری از سوئی کمبود نیروی انسانی جبهه های جنگ ارتجاعی را تامین کنند و از سوی دیگر با دستگیری جوانان کهنه به عنوان نیروی ذخیره پیشمرگان خلق کرد موجب می‌شوند جنبش صلحانه خلق کرد را از منبع تغذیه خود محروم سازند. اما همچنانکه در گزارشات زیر خواهیم دید مقاومت عادلانه توده ها و اعتراضات انقلابی آنان در مقابل سیاست های ارتجاعی مزدوران و علیه تلاش های محبت رژیم در این زمینه این ماه نیز همچون ماههای گذشته تداوم داشته است.

ههوشار - سقز

روستای "بیر عمران" نیز که چندین بار به همین منظور مورد هجوم سرکوبگران واقع شده و هربار با شکست مواجه گشته بود، در تاریخ بیست شهریور ماه نیز مورد هجوم وحشیانه مزدوران قرار گرفت که عدهای از جوانان دستگیر روانه پایگان های رژیم شدند.

اورامان

همچنین در منطقه اورامان نزدیک به ۳۰۰ نفر از جوانان را با زور و تهدید دستگیر نموده تا آنها را به جبهه های جنگ ارتجاعی و نفرت انگیز ایران و عراق بفرستند.

همچنین، مزدوران در تعقیب سیاست های ارتجاعی رژیم، در منطقه "گورک" سقز نیز اقدام به سربازگیری اجباری نموده اند. در تاریخ ۱۱/۱/۶۴ مزدوران منتظر در جانش خانه "میرده" روستای "قره چر" را به محاصره در آورده و به دستگیری جوانان می‌پردازند. توده های ضفر از رژیم جمهوری اسلامی، نسبت به این عمل چهره خواران اعتراض نموده و با آنان درگیر می‌شوند. طی این درگیری، مردی متنی از اهالی با ضربه قنداق تفنگ خود فروشان سرکوبگر زخمی می‌شود. سرانجام

در تاریخ ۲۷/۵/۶۴ مزدوران رژیم بمنظور سربازگیری اجباری، بطرز وحشیانه ای به روستای "داش بلاغ" هجوم برده و اقدام به دستگیری جوانان می‌نمایند که این حرکت مزدوران با مقابله اعتراض آمیز اهالی زحمتکش روستا مواجه می‌شود. مزدوران ضمن درگیری با توده ها، برای جلوگیری از شدت یابی اعتراضات توده ها و ایجاد ترس و وحشت در میان آنان، اقدام به تیراندازی می‌کنند که در اثر آن، سه نفر از اهالی زحمتکش روستا زخمی می‌شوند.



اخبار جنبش نوده ای

ارومیه

روستاهای شمال کردستان نیز از گزند سیاست های ارتجاعی و ضد مردمی رژیم پهلوی برکنار نمانده است. مزدوران دودشور رژیم در این مناطق نیز با افسار

شبهه های زور و ارعاب، اقدام به دستگیری و ربودن جوانان کرده اند. در تاریخ بیست و هفتم شهریور ماه عده ای از جانشینان و قشودال ها، به همراهی پاسداران مزدور، با هدف دستگیری جوانان، به روستاهای "سویلی"، "پیرامب"، "علیه"، "لاری"، "انگی" و... بطرز وحشیانه ای حمله می کردند. اما جوانان این روستاها که از هجوم مزدوران

با خیمه شده اند، روستاها را ترک کرده و به کوه ها و ارتفاعات اطراف روستاها پناه می برند. سرکوبگران که روستاها را خالی از جوانان می یابند، روز بعد یعنی بیست و هشتم شهریور ماه، کوه ها و پیناگاه های اطراف روستاها را، به توبو خمپاره می بندند که طی این عمل جنایت کارانه، چند نفر از جوانان زخمی شده و نزدیک به صد نفر از آنان را دستگیر می کنند و با خود می برند.

سیاست آزار و اذیت زحمتکشان

نشانه ترس و ترسناکی

در مقابل

جنبش انقلابی خلق کرد

رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی اگرچه به رغم اختصاص نیروی فراوان و ماشین سرکوب عظیمی که جهت نابودی جنبش انقلابی خلق کرد بکار گرفته است و به رغم متجاوز از شش سال جنایت و کشتار مستند در کردستان انقلابی، توانسته است به اهداف ارتجاعی خود دست یابد، و در بکار با پیشمرگان دلاور خلق کرده هر روزه ضحمت کشتی های بی دریغی کشته و ضعف و زبونی خود را در این عرصه آشکارا به ثبت رسانده است، اما از سوی دیگر به عیب کوفته شده است تا با افسار شدیدترین شیوه های ایدئولوژیک و بکارگیری همه و هرگونه سنگری و آزار توده ها، شکست ها و ناکامی های خود را جبران کند. از این رو مزدوران دربی بر آوردن سیاست ها و اهداف ارتجاعی رژیم، در به ستوه آوردن توده های خلق کرد از هیچ گونه جنایتی در حق آنان دریغ نداشته وندارند. روستاها را به توبو و خمپاره بسته ویران می کنند، خانه های روستائیان را با بولد زور با خاک یکسان می کنند، به اخاذی از اهالی روستاها می پردازند، دام ها و اموالشان را غارت می کنند، مردم را در کوه ها و جاده ها به ربواری می بندند، محصولات روستائیان را به آتش کشیده و روستائیان را با زور و قتل رویه بیگاری می برند، ترس و کشتاری کنند، و به هر جنایتی چنگ می اندازند تا مگر توده های انقلابی خلق کرد را از مبارزه بازدارند و مقاومت انقلابی آنان را درهم شکسته و جنبش انقلابی خلق کرد را به شکست بکشانند.

اما خلق قهرمان کرد، هم اکنون و پس از شش سال جنگ رزمی و تجربه اندوختنی، رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی را بخوبی شناخته، و شیوه های مقابله انقلابی و مقاومت دلاورانه، در مجال این وحشیگری ها و افسار فدائیان انقلابی را آموخته اند. رژیم پهلوی و قسرن سطاغی علی رقم انتخاب انواع شیوه های سرکوب و آزار، نه تنها خللی در اراده مبارزه - جبهه توده های خلق کرد ایجاد کرده است، که اعتراضات انقلابی آنان را افزون تر از گذشته برانگیخته و با مقاومت دلاورانه واج پاینده آنها مواجه گشته است.

گزارشاتی که در زیر می آید از روشی بیانگر در جنبه سمیت مزدوران رژیم و دامنه بکارگیری شیوه های سرکوب و آزار توده ها، و از سوی دیگر روشنگر مقاومت خستگی ناپذیر توده های مستعدیده و انقلابی خلق کرد، به همان گستردگی است.

پیرانشهر

چندی قبل قشودالهای جاش با همدستی پاسداران مزدور، زحمتکشان منطقه و به ویژه اهالی روستاهای "زنگ آباد" و "کرتجک آباد" را تحت فشار قرار داده و ضمن آزار و اذیت اهالی، از آنان درخواست اجاره کرده و همچنین خواسته اند که برایشان بیگاری کنند. مزدوران ترانکوهرهای اهالی را به زور گرفته و از آنها برای گشت مزارع خود استفاده کرده و بدین نحو در کار و زندگی اهالی این روستاها اختلال ایجاد کرده اند.

همچنین مدتی پیش جاشها از اهالی روستاهای منطقه لاجان می خواهند که زمین های آنها را شخم بزنند. اما مردم در مقابل این خواست ظالمانه مقاومت کرده و به آن تن نمی دهند. جاش ها که با مقاومت اهالی روبرو می شوند سردسته خود را به همراه پاسداران سرکوبگر راهی منطقه می کنند. تا با تطمیع و اجبار آنها را وادار به بیگاری کنند. اما توده ها باز هم زجر بار این خواست ستمگرانه نرفته و دست به اعتراض می زنند. پاسداران برای وادار کردن اهالی به بیگاری به نفع جاش ها، به توقیف حدود ۳۰ ترانکوهر مردم منطقه می پردازند، تا از این طریق آنان را وادار به تسلیم نموده و به بیگاری بکشند. توده های مستعدیده منطقه بعنوان اعتراض به این حرکت ارتجاعی سرکوبگران به شهر پیرانشهر می روند تا شاید به کارشان رسیدگی شود. اما در آنجا نیز مزدوران سعی در تطمیع زحمتکشان نموده و در صدد آن برمی آیند تا اهالی را به شخصزدن زمین های جاش ها ترغیب کنند. ولی زحمتکشان منطقه باز هم از آن کار سر باز زده

☆ اخبار جنبش توده‌ای

و تسلیم خواست آنها نمی‌شوند .
چندی پیش روستای "سریکانی"
نیز مورد یورش وحشیانه
مزدوران واقع می‌شود . این عمل
مزدوران با اعتراض جدی اهالی
خشکین روستا روبرو گشته و
مزدوران مجبور به فرار می‌شوند .

در تاریخ روز دهم
شهریور ماه نیز روستای "کونه کبچ"
بسط جانش‌ها محاصره می‌شود و
مزدوران دهوانه وار روستا را
عمر آتش سلاحهای خود قرار
می‌دهند .

همچنین در تاریخ هجدهم
شهریور ماه جانش‌ها با همدستی
پاسداران مزدور به روستای
"خری افلان" حمله برده، زمین
تهدید و ارباب به انزیت و آزار اهالی
زحمتکش می‌پردازند .

اشتبوه

اواخر شهریور ماه، جانش‌های
مزدور، با چند دستگاه بولدوزر به
روستای "کشان" در منطقه
شدت بمیل "یورش برده و بدون
کسری اطلاع قبلی به آنها،
خانه‌های روستائیان را با خاک
یکسان می‌کنند . ساکنین روستا
بعد از این عمل جنایتکارانه آواره
روستاهای اطراف می‌شوند .

همچنین اواخر شهریور ماه
جانش‌ها به‌مراهی پاسداران مزدور
جهت آزار مردم به روستای "توجه"
یورش می‌برند، آنان ضمن
تیراندازی در خانه، یکی از اهالی
این روستا، صوبب سرک دختر
۱۸ ساله صاحب‌خانه می‌شوند .

دیوانره

پاسداران سرکوبگر متقرر
"قیه با اوامید"، واقع در نزدیکی
روستای "گول"، در تاریخ بیست و
نوم مرداد ماه، با کمال بیرحمی
این روستا را به تب و خمه‌ساره
می‌بندند . اهالی بیگناه و زحمتکش
روستا، در مقابل این عمل
جنایت‌کارانه مزدوران دست‌پس
اعتراض می‌زنند . مزدوران یکی از
اهالی را دستگیر می‌کنند که
بدنیال آن اعتراض توده‌ها شدت
یافته و خواستار آزادی فرد

دستگیر شده می‌گردند . جنایت
کاران، از ترس این کبیری اعتراضات
و از آنجا که برای مقاومت در مقابل
حرکت ضحید توده‌ها را نداشته‌اند،
ناچار به آزاد کردن فرد مذکور
می‌شوند .

همچنین چندی پیش
تعدادی از جانش‌ها، تحت عنوان
پیشمرگه به روستای "گیزول" رفته
و از آنان طلب کمک مالی می‌کنند
اما اهالی روستا که چهره گریه
این اوباشان را می‌شناختند، از
دادن هرگونه کمک مالی
خودداری می‌ورزند . جانش‌های
مزدور که با تحمل به این نیرنگ
هدف خود نمی‌رسند آشکارا به
تهدید اهالی پرداخته و با زور
سویزه مبلغ ۵۰۰۰ تومان از
مردم روستا اخاذی می‌کنند .

ربط

یکم شهریور ماه، مزدوران
صلح رژیم، دیوانه وار به
ارتفعات "کانسی پینکه" یورش
می‌برند و بعد از آنکه مدت
زیادی به تیراندازی می‌پردازند،
برمی‌گردند . مزدوران وحشی در
مسیر برگشت خود، به هرکمی که
برمی‌خورند او را مورد حمله قرار
می‌دهند و از جمله به شکست
وحشیانه ای به بیلا، نشین
حمله ور شده و به روی آنان تیراندازی
می‌کنند که زمین این اهالی
در میانه، یکی از اهالی روستای
"نوآوی" کشته می‌شود .

همچنین سیاه پاسداران
"سردشت" و "میرآباد" اهالی
روستاهای "چویل"، "شیلان"،
"سیرکه پینکه"، "زردکان" و چندین
روستای دیگر را به منظور تخلیه
مناطق تحت فشار قرار داده‌اند .

نقده

در تاریخ هجدهم
مرداد ماه، مزدوران به روستای
"قلاکون" از روستاهای نقده
یورش می‌برند و با اعمال زور و
تهدید، مبلغ ۲۷۰۰۰ تومان از
اهالی این روستا اخاذی می‌کنند،
فارتگران پس از گرفتن این مبلغ
از روستائیان، وحشیانه به خانه‌ها
ریخته و به چپاول اشیاء قیمتی و
زور آلات می‌پردازند .

مهاباد

در تاریخ ششم شهریور ماه،

مزدوران رژیم، جهت به منسوب
آوردن توده‌های اهالی، به روستای
"هاجیدره" حمله می‌برند و با
اعمال زور و تهدید به انزیت و
آزار آنها می‌پردازند که این عمل
وحشیانه سرکوبگران، با اعتراض
انقلابی توده‌ها، و به‌ویژه زنان
زحمتکش روستا مواجه می‌شود و
متعاقب آن، مزدوران جیره‌خوار
با سنگ و چوب مورد حمله اهالی
قرار می‌گیرند و شعارهای آزادی
زخمی می‌شوند . مزدوران بطرز
وحشیانه ای به ضرب و شتم اهالی
پرداخته، و به هر سو تیراندازی
می‌کنند . و موجب زخمی شدن
تعدادی از اهالی می‌گردند . موقع
تهاجم انقلابی یکی از زنان زحمتکش
به مزدوران سرکوبگری می‌پردازد
اهابت گلوله قرار گرفته و به شدت
زخمی می‌شود . زنان دیگر روستایی
که شاهد این صحنه هستند، به شدت
خشکین شده و دسته جمعی با
سنگ و چوب و هرچه که در دستشان
هست، سرکوبگران را مورد حمله
انقلابی قرار می‌دهند . مزدوران
که کبچ و هراسان شده بودند،
دیوانه وار به تیراندازی ادامه
می‌دهند که در اثر آن یک نفر از
خود مزدوران زخمی می‌شود .
سرجمعین سرکوبگر، با تلاش هرچه
بیشتر سعی می‌کنند مردم
خشکین و مستعبدیده را که یکبارچه
به مقاومت برخاسته‌اند غم و قبح
کنند . مزدوری لوله تفنگ خود
را روی سینه، یکی از اهالی گذاشته
و ضمن تهدید، قصد جان او را
می‌کنند، که فرد روستایی با گرفتن
لوله اسلحه، او و اشرفا جهت
تیراندازی، باعث می‌شود گلوله به
سوی دیگری شلیک گردد . سرانجام
طن این سرکوبرها چندین نفر از
اهالی زخمی می‌شوند که سه نفر از
آنان زخمهای شدیدتری برمی‌دارند .

جنایت‌کاران، به این درجه از
سببیت اکتفا نکرده و زخمی‌شدگان
را طناب پیچ نموده و به اصطلاح
برای عبرت دیگران، و در واقع برای
ارباب اهالی منطقه، آنها را به
روستای "سیره ده" می‌برند تا
درنده خوبی خود را به نصایبش
بگذارند . اما اهالی این روستا، از
این حرکت جنایت‌کارانه مزدوران
به شدت خشکین شده و دست‌پس
اعتراض می‌زنند . مزدوران برای
جلوگیری از گسترش اعتراضات،
روستا را ترک می‌کنند و مردم
روستا، در ادامه اعتراض خود، به
طرف پایگاه به حرکت درمی‌آیند .

همچنین یکم شهریور ماه
سرکوبگران، با بسیج نیروی زیاد،



اخبار جنبش توده ای

بطرز وحشیانه ای به روستای "کانی شینگی" در این منطقه حمله می برند و سپس با پولک و زور به تخریب خانه ها پرداخته و روستا را با خاک یکسان می کنند. اهالی زحمتکش روستا، بی سرانه، آواره و گوه ها و روستاهای اطراف می شوند.

سردشت

بدنیال علیات قهرمانانسه پیشمرگان در این منطقه که طی آن ضربات کاری بر پیشمرگانه رژیم وارد آمده است و سرکوبگران محمل تلفات سنگینی شده اند. مزدوران رژیم ناتوان از مقابله با پیشمرگان و برای جبران شکست ضمنی و زبونی خود در عرصه پیکار، به روستاهای این منطقه وحشیانه یورش می برند، تعدادی از روستائیان را دستگیر نموده و برخی از آنان را در اثر اذیت و آزار زیاد و اعصال شیوه های سرکوب، مجبور به ترک روستا می نمایند.

همچنین در تاریخ دوازدهم شهریور ماه، جانی های مزدور و پاسداران سرکوبگر، روستای وردی را محاصره کرده ضمن اذیت و آزار اهالی، آنان را با زور و تهدید به پایگاهها می برند و سلاح هائی را که قبلاً و در جریان تخریب پایگاه توسط پیشمرگان مبارز به غنیمت گرفته شده است، از آنان طلب می کنند.

بوکان

مزدوران رژیم با کسک و همدستی جاش ها، در منطقه "پیرمحمد" دست به دزدی زده و به غارت و چپاول اموال مردم پرداخته اند. چندی پیش روستای راز به سر از سوی این راهزنان مورد هجوم واقع شده که طی آن ۴۷ رأس از گوسفندان حلق به اهالی به سرقت می رود.

همچنین روستای "حمین - آبار" در تاریخ شانزدهم شهریور ماه، مورد یورش وحشیانه مزدوران سرکوبگر واقع می شود.

سرانجام جنایت کارها، با اعمال زور و ضرب و شتم، ساکنین روستا را از خانه ها بیرون آورده و به تخریب خانه ها می پردازند. بدنیال این عمل وحشیانه، زحمتکشان این روستا، آواره گوهها و روستاهای اطراف می شوند.

در تاریخ پانزدهم شهریور ماه نیز، مزدوران سرکوبگر رژیم، طی یک هجوم وحشیانه به روستای "کهنه ملال" و ایجاد رعب و وحشت، به آزار و اذیت اهالی پرداخته و پنج نفر از آنان را دستگیر می کنند و به همراه خود می برند. روز بعد، مردم زحمتکش روستا، در اعتراض به عمل وحشیانه سرانجام و برای آزادی دستگیرشدگان به طرف پایگاه می روند. فرمانده مزدور پایگاه برای پیشگیری از تجمع و گسترش اعتراضات اهالی سعی می کند تا از آخوند روستا استفاده کرده و توده های مجتمع را برانگیزد. اما مردم خشمگین، به این شیوه فرمانده مزدور و قوی نگذاشته و ضمن ادامه اعتراض، درخواست خود یعنی بر آزادی طبقه دستگیرشدگان با فشاری می کنند و در تداوم این اعتراضات است که مزدوران مجبور به عقب نشینی شده و دستگیرشدگان را آزاد می کنند.

ارومیه

بدنیال علیات قهرمانانسه پیشمرگان در منطقه "سرگور" که طی آن مزدوران رژیم به سختی ضربه می خورند، سرکوبگران برای جبران شکست مقننانه خود، از پایگاههای اطراف روستا های "هانم آباد" و "همزآباد" بطرز وحشیانه ای منطقه را به توب و خیماره می بندند. طی این عمل جنایت گرانه روستای "قاپر" خسارات مالی فراوانی دیده و ۶ پسرچه جان خود را از دست می دهند.

همچنین، بدنیال علیات مشابهی از جانب پیشمرگان، در دوگیری "کانی سبی" به تاریخ دهم شهریورماه که ضمن آن تلفات زیادی به سرکوبگران وارد شده، روز بعد، مزدوران با سمیت تمام برای جبران شکست های خود، به این روستا یورش می برند و

پس از آزار و اذیت اهالی، روستا را به آتش می کشند و در کمال بهتری آن را به پیشمرگان نسبت می دهند.

سنندج

روستاهای اطراف سنندج نیز برکنار از وحشیگریها و سرکوبهای سرکوبگران رژیم نبوده است. اهالی بسیاری از روستاهای این شهر نیز، مورد آزار و اذیت مزدوران قرار گرفته اند. اما به رغم اعمال سرکوبهای خشن و جنایتکارانه از سوی رژیم، توده های خلق، ساکت ننشسته اند و ضمن اعتراض علیه رژیم و سیاست های ارتجاعی آن، به مقابله انقلابی با مزدوران پرداخته و در موارد بسیاری آنان را واداره عقب نشینی کرده اند.

چندی پیش اهالی زحمتکش روستای "نگل" در مسیر جاده سنندج - میوان، دست به یک حرکت اعتراضی علیه مزدوران رژیم می زنند. این حرکت که در اعتراض به تیراندازی مزدوران به طرف چند نفر از کارگران که منجر به زخمی شدن یکی از آنها می شود، برپا شده است، در ادامه خود و با تجمع اهالی روستا و راهبیمانی آنان، ضمن انتقال کارگر زخمی به بیمارستان، تبدیل به تظاهراتی می شود که طی آن توده ها با دادن شعارهای انقلابی، تنفر عمیق خود را از رژیم و مزدوران رنگارنگش به نمایش می گذارند. آنان ضمن این تظاهرات به یک جاش و پیک پاسدار که عامل تیراندازی بوده اند، دست یافته، و خشم و کینه خود را نشان آنها می کنند. مزدوران که تیرس و وحشت سراهای وجودشان را گرفته بود جرات هیچگونه اقدامی را، در جلوگیری از حرکات انقلابی اهالی، به خود نمی دهند.

همچنین روستای "زونج" در تاریخ دهم مرداد ماه شاهد یک حرکت اعتراضی علیه مزدوران بود. بر اثر تیراندازی مزدوران سرکوبگر در روستای فوق، انبار علوفه زمستانی یکی از اهالی دچار حریق می شود. اهالی روستا، در اعتراض به این حرکت تجاوزکارانه مزدوران، بطور



اخبار جنبش توده‌ای

دسته جمعی زمین داین شعار علیه فرمانده پایگاه سرکوبگران، بطرف پایگاه راهبرستانی می‌کنند. مزدوران سرکوبگر که از بهارچگی حرکت اهالی روستا توسیده بودند، مجبور به تعویض فرمانده مزدور پایگاه می‌شوند.

مدتی قبل، یکی دیگر از روستاهای مستند نیز به نام «گلانه» شاهد اعتراضات شورانگیزی علیه مزدوران سرکوبگر بود. به دنبال کشته شدن یکی از اهالی این روستا و زخمی شدن فرد دیگری از اهالی، بر اثر تیراندازی فرمانده پایگاه اهالی زخمکش روستا، «محمد» دست به تظاهرات زده و علیه مزدوران به دین شعارهای انقلابی می‌پردازند. آن در حین تظاهرات، با یک ام انقلابی، فرمانده مزدور بتکار پایگاه را دستگیر نموده را نیز خود نگاه می‌دارند. سایر مزدوران، با تمویل به تیرتک و فریب و به بهانه اینکه می‌خواهند او را تحصیل دادگاه بدهند، موفق می‌شوند پس از چند روز فرمانده جانی را از چنگ نموده‌ها درآورده و سپس سرعام او را از منطقه خارج کرده و روانه مستند می‌کنند.

سفر

جاسوسان سرکوبگران رژیم، به منظور دستگیری پنج نفر (دختر) به جرم حمایت و طرفداری از جنبش انقلابی خلق کرد در تاریخ ۲۳/۵/۶۴ به پهنای «قره پلاغی» در منطقه فیض‌الله بیکی حمله کرده و این روستا را به محاصره خود درمی‌آورند. این عمل مزدوران با اعتراض شدید اهالی روستا می‌شود. اما مزدوران ضمن تهدید و ارباب اهالی، و با اعمال زور و سرکوب افراد یاد شده را دستگیر نموده و همراه با دو تن دیگر از اهالی روستا، آنها را با خود می‌برند. مردم روستا، در ادامه، اعتراض خود نسبت به این حرکت، بطور دسته جمعی روانه شهر شده و جلو فرمانداری تجمع می‌کنند و «مکدا» خواستار آزادی افراد دستگیر نموده می‌گردند. سرکوبگران ناچار به تسلیم شده و دستگیرشدگان را آزاد می‌کنند.

چند خبر از مزدوران

مزدوران رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی، در ادامه سیاست های ضد مردمی خود، بار دیگر به دستفروشی‌ها و دکه‌داران این شهر حمله بردند. در تاریخ پنجم شهریور ماه، عاملین و جیره خواران رژیم به دستور شهردار مزدور این شهر، شبانه و دور از چشم مردم به دکه‌ها و وسایل دستفروش‌ها و حشیانه پیورش برده و ضمن تخریب دکه‌ها به غارت اموال و وسایل زحمتکشان می‌پردازند. سرکوبگران رژیم، در ادامه و تکمیل این عمل و حشیانه خود، روز بعد نیز با ماشین‌های آب پاش به دکه‌ها و وسایل دستفروش‌ها حمله برده و وسایل انسان را تخریب و ضایع می‌کنند. زحمتکشان دستفروش در مقابل این وحشیگریها، دست به مقاومت می‌زنند و بیش از ۶۰ نفر از آنان دو روز متوالی در مقابل فرمانداری تجمع کرده و نسبت به این حرکت ددمنشانه مزدوران اعتراض می‌کنند و علیه آنان شعار می‌دهند. آنان همچنین بر خواست خود مبنی بر رسیدگی به وضع کار و جبران خسارات وارده با فشاری می‌کنند. اما مزدوران شهرناسی با حمله و حشیانه خود، در صدد پراکنده نمودن آنها برمی‌آیند.

مزدوران رژیم در اواخر ماه نیز برای چندمین بار، دکه‌داران و دستفروش‌های این شهر را مورد حمله قرار داده و ضمن آذیت و آزار آنها، توانا به تخریب و غارت اموال و وسایل آنها می‌پردازند. دستفروشان و دکه‌داران، که خود از روی ناچارگی و فشار بیکاری و برای تأمین لقمه ای نان، به این کار روی آورده‌اند، در اعتراض به این حرکت و حشیانه و برای جبران خسارات وارده در جلو شهرداری تجمع می‌کنند. مزدوران رژیم با کمال بی‌شرمی آنان را از دست فریوشی منع کرده و در عوض به پرداختن آبله رژیم ترغیب و اجبار می‌کنند. اما مردم زحمتکش زمین داین شعار علیه رژیم می‌گویند: «اگر ما را بکشید به نفع رژیم مسلح نمی‌شویم» و متعاقب آن بر شدت اعتراضات آنها افزوده می‌شود. مزدوران از نرس گشتش این اعتراضات، وحشیانه می‌دهند که به خواستهایشان

رسیدگی نمایند. در اواخر مردادماه نیز، مزدوران به منظور جمع‌آوری دکه‌ها و دستفروشی‌های واقع در «گراز حاجی صفری» در این شهر حمله برده بودند که با مقاومت و اعتراض مردم روستا شده بودند. دستفروشان یا مزدوران درگیر گشته و طی آن یکی از یامداران مزدور به شدت کتک خورده بود. حرکت اعتراضی شدید حالت تظاهرات به خود گرفته بود. بطوریکه مردم، خود روز مزدوران را به داخل جوی خیابان انداخته بودند. سرکوبگران برای پیش‌گیری از شدت یابی این حرکت اعتراضی توده‌ها، به تیراندازی هوایی پرداخته بودند و چند نفر را دستگیر کرده بودند، که یکی از دستگیرشدگان موفق به فرار شده بود.

صلاح به نفع...

از صفحه ۱۵

مقها کومه له فقط طرحی را طرح می‌داند که پشتیبان و جانی‌دار او باشد، نه پشتیبان و جانی‌دار خلق کرد! کومه له فقط طرحی را عملی می‌داند که منافع او را تأمین کند و حرف او را تکرار بکند و تحلیل او را از اوضاع کردستان ارائه دهد.

حالا اگر تمام کمونیستهای ایران و جهان هم جمع شوند و بپرسند جدا از شعارهای توخالی جناب نصندگان کومه له در کدام دوران از حیات بشر ماله خود و در چه برنامه عملی منافع طبقه کارگر را پیش برده و در کجای این کردستان در عرصه عملی مبارزه در مقابل حزب دمکرات، نماینده رادیکالیسم جنبش بوده‌اند؟

آیا کومه له جز سکوت چاره‌ای دارد؟! اگر ما بگوئیم و اقتضای داشته باشیم به اینکه کومه له نیز همانند حزب دمکرات بشکل دیگری نماینده ناسیونالیسم و گرایش ملی خلق کرد است، نه نماینده رادیکالیسم این جنبش، آیا باز هم باید از این تمایلات پشتیبانی کنیم؟ کومه له می‌گوید بلکه وان را شرط انقلابیگری و دفاع از آزادی و دمکراسی می‌داند پس حتماً اینهم یک نوع دمکراسی است! و براساس این شرط کومه له چه تفاسی دارد با همان شرط حزب دمکرات که از کومه له خواسته است او را انقلابی راستین بنامد!

صلح به نفع جنبش

یا
جنگ برای جلب محافل خارج

از صفحه ۲۰

و این احکام بدیهی را نمی فهمیم! نیت باطنی این نویسندگان صاحب دست از نصبت دادن حتی پلاحت به ما و فرزانی به خود، هرچه می خواهد باشد اما یک چیز مسلم است و آن اینکه چنین تصویری از دو حزب متخاصم و از افراط کردستان ابداً با واقعیت مطبق نیست. نشریه کمونیست اضافه می کند:

"کومه له دایما بر این تکیه تاکید کرده است که خواهان مبارزه نظامی با حزب دمکرات نیست و بر این اعتقاد است که اختلاف میان دو حزب باید از طریق سیاسی و نه نظامی و بر اساس حمایت و انتخاب مردم فیصله یابد!"

اما نشریه حزب کمونیست کومه له فقط با چند جمله در شروع این مقاله ضمن دیگری را به دست می دهد که هیچ چیز جز نقض این گفتار و آشکار ساختن تنگ نظری های خاص خرده بورژوازی این جریان نیست. او آنچنان با افتخار از دست آورد های این جنگ دم می زند که گویا تمام دنیا چشم به فتوحات نظامی او دوخته و مآذکارهای نظامی اثر را بسا تحسین می نگرند. ملاحظه کنید:

"جنگ کومه له و حزب دمکرات علاوه بر اینکه نتیجه همه مردم را به خود مشغول کرده است، در خارج کردستان و خارج ایران هم به موضوع بحث و اظهار نظر گروهها و احزاب سیاسی و هوا داران آنها بدل شده است. اولین تکیه ای که این جنگ و تداوم چند ماهه آن ببدون هیچ مقابلهی بسته همگان فهماند، این بود که تصور عمومی از تعادل و توازن قوای حزب کمونیست و حزب دمکرات در کردستان غلط بوده است و باید صورت تجدید نظر قرار گیرد."

حزب کمونیست کومه له که دلش برای معروفیت های حزب دمکرات در میان افکار سوسیال دمکراتی

ارواحی قبح می زند، با کپسرو غرور بی نظیری در وصف بار آوری این جنگ ظم فرسائی نموده - است، آنچنانکه باید گفت این جنگ بیشتر از آنکه به درست شرایط مساعد را برای جمهوری اسلامی فراهم کرده باشد، شرایط مساعد برای حزب کمونیست کومه له فراهم کرده است. این نشریه ادامه می دهد:

"افکار عمومی در خارج از کشور همواره رهبران این حزب را روی صفحه تلویزیون و مطبوعات بعنوان قدرتمندترین رهبران جنبش کردستان دیده و شناخته است و اکنون که خبر درگیری های گسترده کومه له و حزب دمکرات و خیر شکست خوردن و بی حاصل ماندن و دفع شدن حتی بزرگترین لشکرکشی های دمکراتها در قبال کمونیستها (یعنی پیشمرگان کومه له) صیما پخش شده است، بسیاری از معانل سیاسی ناگزیر از به رسمیت شناختن این قدرت تازه شناخته شده و باز کردن حساب جدیدی برای آن شده اند!"

واقعاً که افتخار بزرگی است! کسب شهرت برای این جریان ناشناخته حتی به قیمت جنگی که به نفع رژیم جمهوری اسلامی تمام شود! طبیعی است و کسی که نمایندگ حزب کمونیست کومه له در خارج از کشور در محابه با خبرنگار بی بی سی از پیروزی های قطعی رژیم در کردستان دم بزند و مناطقی را که امروز زیر نفوذ قدرت انقلاب خلق کرد و پیشمرگان قهرمان آنست درست زیر نفوذ و کنترل ارتش بعصاب بیاورد، دیگر چه جای افتخار و عرض اندام باقی نمی ماند! این نشریه ادامه می دهد:

"وقتی جنگی در جریان است هیچکس یا مویله دست از جنگ بر ندارد" بر جایز نخواهد نشست، چرا که این جنگ ادامه سیاست است. سیاست های دو حزب متفاوت که دو نوع نظم - دو نظم تضاد را - برپای کردستان می خواهند!"

حالا چرا کومه له حاضر است با اجرای آتش بس و پایان دادن به این جنگ بر سر نظم دلخواه خود پایا به رقم او نظم مورد نظر خلق کرد با حزب دمکرات سازش کند، باز تناقض دیگری

است که جواش را باید در همان دامنان مطرح شدن از طریق تلویزیونها و مطبوعات غربی جستجو کرد.

از این هم که بگذریم، نویسندگان این نشریه که تصور می کنند در حالت در جنگ ما بین آنها و حزب دمکرات/عروه کسی شهرت است و نه وظیفه این یا آن نیروی سیاسی حتی از تحریف واقعیت هم برای افزودن بر افتخارات خود آبائی نسدانند. نشریه حزب کمونیست کومه له می نویسد:

"تحلیل گران و نویسندگان متصف، علیرغم پرکاری نشان هنوز هیچ راه حل سیاسی و قابل اتخاذ پیش پای هیچکس نگذاشته اند و معلوم نکرده اند که برای خاتمه دادن به این جنگ جز مویله چه باید کرد!"

و اضافه می کند: "آنچه می گویم که کم و بیش در همه این نوشته ها و مضمونها بچشم می خورد، از یکسو تاکید بر لزوم صلح و از سوی دیگر طفره رفتن از پرداختن به ماهیت دعوا و بنا بر این طفره رفتن از جانبداری و پشتیبانی صریح از یکی از طرفین دعواست." در صورتیکه فقط به اعتبار یکی از شرطهای حزب دمکرات که از ما می خواهد اسلام کنیم حزب دمکرات حزبی اصیل و انقلابی است، کافس است که ما از هر نیرو و یا فرد آزادیخواهی به ویژه از آنان که خود را چپ رادیکال و انقلابی و دمکرات می دانند، بخواهیم که اگر در فکر منافع جنبش انقلابی چه در کردستان و چه در سراسر ایرانند باید در این جدی جانبدار ما باشند. " امروز هر نیرویی که مدعی انقلابیگری و دفاع از آزادی و دمکراسی است، چنانچه خواهد در عمل و در عرصه واقعیتی مبارزه به ادعای خود بپردازد، راهی جز حمایت از ما در برابر حزب دمکرات نخواهد داشت!"

پس علت این تحریف هم روشن شد! پس نیروهای سیاسی برنامه عملی داشته اند! بخصی باید اشاره کنیم به طرح عملی کهنه کردستان سازمان که حتی خود کومه له نیز قبل از پلن سوم اخیر خود چیزی جز چهارچوب اصلی آن ارائه نداده بود.

گزارشی کوتاه از ...

از صفحه ۲۰

و نفرت عمیق توده های خلق کرد را نسبت به خود می دانست به این شیوه اکتفا نکرد و با در پیش گرفتن اقسام شیوه های ارتجاعی دیگر، مزدوران سرکوبگر خود را گله گله به شهرها و روستاها روانه کرد و با ایجاد جو رعب و وحشت، به تهدید توده ها پرداخت تا شاید از این رهگذر، اهداف ضد انقلابی خود را پیش برد. آنان از سوئی برای جلب و جذب توده ها، به شیوه های مسزورانه از تشویق و تلاش در جهت

تطمیع توده ها گرفته تا تهدید و ارباب و افعال فشار و حتی تهدید به قطع کمرین های خوار و پوار اهالی توکل جستنند تا به اهداف ارتجاعی خود دست یابند.

اما در کردستان انقلابی، خلق قهرمان و رزمنده کرد که در پرده مبارزه عادلانه و انقلابی چندساله و در عرصه نبرد رزماری خود در طول حیات تنگین و جنایت بسیار حاکمیت ارتجاعی جمهوری اسلامی، یا حمله آفرینی های خونین و وارد آوردن ضربات متعدد و مرگبار بر مزدوران و پامداران رژیم پوسیده جمهوری اسلامی، نشان داده بود و نشان داده است که دشمنان قسم خورده خود را بخوبی شناخته است و گسترین توهمی نسبت به

آنان ندارد، با تعزیم یکبارچشمه انتخابات دروغین و مضحکه آمیز رژیم نه تنها بی لژساری خود را نسبت به رژیم، در این عرصه نیز به شیوه رساند، که درجه آگاهی و چشم کینه و نفرت عمیق تپقه خود را نیز نسبت به رژیم و همه مسزوران و نگارنگ آن به نمایش گذاشت و نشان داد که حمایت های ارتجاعی رژیم تبلیغات گر کننده و انتخابی شیوه های رذیله و سرکوبگرانه از سوی او، هیچگونه کار آفرینی و نداشتند، ندارد و نخواهد داشت و بطور حتم محکوم به شکست است. نمونه هایی از برگزاری انتخابات در شهرهای مختلف کردستان که در زیر می آید، همین این واقعیت است.

بوکان

رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی، چند روز پیش از برگزاری انتخابات، با گسیل نیروی زیادی از مزدوران خود به شهر و منطقه، دست به ارباب اهالی زده و آنان را تهدید کرده بود چنانچه در انتخابات شرکت نکرده و شناسنامه آنها مهر نخورد، کمرین ها خوار و پوار آنها قطع خواهد شد. اما، به رغم حضور نیروهای سرکوبگر رژیم و تهدیدات کسر آنها و ایجاد جو پلیسی و اختناق، شعارهای فراوانی در تحریم انتخابات در سطح شهر برادر و دیوار نوشته شده بود و بخش عظیمی از مردم زحمتکش بوکان در انتخابات شرکت نکرده و آنرا تحریم کردند.

مزدوران که صندوق های آرا را در برخی مدارس و ادارات تقسیم کرده بودند، مزید بر آن، صندوق های بسیار را در خیابانهای شهر می گرداندند و بطور مداوم از طریق بلندگوها از مردم خواسته می شد که رأی بدهند. پیش از ظهر روز ۲۵/۵/۶۴، بجز عده قلیلی از کارمندان ادارات، که از ترس از دست دادن کارشان رأی دادند، عموم توده های مردم بوکان، انتخابات گذاشتی رژیم را تحریم نمودند، بطوری که بعد از ظهر همین روز اطراف صندوق های رأی بکلی خالی بود. اما مزدوران رژیم برای حمله سازی و به قصد جمع آوری آرا، پیشتر صدت دو ساعت وقت انتخابات را تهدید کردند.

مزدوران همچنین با ارسال صندوق های رأی به روستاهای اطراف شهر و اعزام نیرو جهت ارباب توده ها، سعی در برگزاری انتخابات کردند. آنان تلاش نمودند از خود اهالی در بر آوردن اهداف ارتجاعی خود استفاده نمایند و به شورا های روستاهای منطقه "غیث الله بیگی" اخطار کرده و از آنها خواسته بودند که امر برگزاری رأی گیری و حفاظت از صندوق آرا را بعهده بگیرند، ولی شورای این روستاها ضمن بی اعتنائی به این خواسته مزدوران مخالفت خود را با آنان ابراز داشته و همبستگی خود را نیز با تحریم کنندگان انتخابات نشان دادند.

اهالی روستاهای "ترغه"، "نه بی"، "علم آباد"، "آشیلان"، "آچی کند"، "فازلیان"، "خرابانه"، "دازه گره له"، "کانی پکسه" و "خانقاه" تماما انتخابات فرمایشی را تحریم کردند و مزدوران سرکوبگر رژیم در حوزه انتخاباتی روستای "ناجیت" که محل رأی گیری چندین روستای اطراف بود، پس از تهدیدات کسر و افعال شدیدترین فشارها نتوانستند تعداد بسیار قلیلی رأی جمع کنند.

مزدوران سرکوبگر رژیم، همچنین برای جمع آوری آرا، اهالی روستاهای "نهبهار"، "آلتون"، "دانش لوجه"، "کانبه" - "چرزی"، "پیر بون"، "آکلو" و "گاوه شله" را تحت فشار قرار داده و یا زور سرنیزه و تهدات تنگی آنان را به پای صندوقهای

رأی می کشیدند. اما علی رغم این همه فشار و تهدید توده ها مقاومت کرده و نهایتاً برای مهر خوردن شناسنامه ها یکی از اهالی، شناسنامه ها را جمع آوری کرده و در صندوقها رأی سفید می اندازد.

بانه

انتخابات نمایشی رژیم در منطقه بانه نیز با شکست مواجه شد و اهالی مناطقی چون "میدانان"، "اربابیسه" و "حبه شه وانه" از شرکت در انتخابات خودداری کردند. سرکوبگران علیرغم تهدیدات خود و ترساندن توده ها از قطع کمرین خوار و بار، مایه از کشاندن توده ها به پای صندوق های رأی، با دست خالی، صندوق های آرا را بازگرداندند. آوارگان شهر بانه نیز همچون سایر مناطق کردستان، انتخابات را تحریم کردند و تلاش های مذبحانه مزدوران در جهت جمع آوری آرا، بی نتیجه ماند.

سردشت

مزدوران رژیم از انتخابات در منطقه سردشت نیز هیچ طرفی نیستند چرا که بانی این منطقه نیز انتخابات را تحریم کردند. در روستای "بن خلف"

گزارشی کوتاه از...

که محل استقرار صندوق واخذ آراء چندین روستای اطراف نیز بوده است، فقط تعداد ۳۶ رای به داخل صندوق ها ریخته شده که بیشتر آنها مفید بوده است.

سریل زهاب

مردم این شهر و اهالی روستاهای اطراف عموماً به تحریم انتخابات پرداختند. بطوری که از کل ۲۳۰۰ رای جمع آوری شده در منطقه فقط محدودی متعلق به سردمی بود که تحت اجبار رای داده بودند و مابقی متعلق به سرکشیگران ارتشی و پاسدار و دیگر عوامل رژیم بود.

نقده

در شهر نقده نیز انتخابات فرمایشی رژیم با شکست طرفداران سواجه شد و به رغم تبلیغات گسترده مزدوران جهت شرکت توده ها، آنان از دادن رای قیام امتناع کرده و انتخابات را تحریم کردند.

کرمانشاه

عوامل رژیم چند روز قبل از انتخابات در کلیه روستاهای مناطق "بیلوار" و "زایه رود" و دیگر مناطق کرمانشاه و کامیاران، وسیعاً دست به تبلیغ زده و اهالی این مناطق را تهدید کردند که در صورت عدم شرکت در انتخابات کوهن های خوار و بار آنان قطع می شود. این مزدوران جیره خوار که به نتیجه بخش بودن تهدیدات خود اطمینان چندانی نداشتند و خوب می دانستند که اهالی زحمتکش مناطق، به این تهدیدات و قهسی ننهاد و ترمسی به دل راه نخواهند داد، روز ۲۵/۵/۲۴ یا سیج نیروی زیاد حمله گسترده و وحشیانه ای را علیه مردم این

مناطق آغاز می کنند، اما، با وجود اینکه روستاها از جانب مزدوران محاصره شده و روستائیان مورد ضرب و شتم واقع می گردند، سرکشیگران در دست یابی به اهداف ارتجاعی خود ناگام می مانند.

دیواندره

در منطقه دیواندره نیز علی رغم ارباب و تهدید توده ها، جز عده کمی از آنان به پای صندوقهای رای نرفتند که این عده نیز پس از نوشتن عبارت "خودمختاری پروری ورقه" رای آن را به داخل صندوق انداختند. در همین رابطه از ... ه برگه رای در روستای "تاله سوار" ... نای آن تحت عنوان "خودمختاری" بوده است.

پیرانشهر

انتخابات فرمایشی در این شهر نیز با شکست مواجه شد. مزدوران رژیم نتوانستند صندوق های خود را به بسیاری از روستاهای اطراف ارسال کنند و در روستاهایی که صندوق آرا نیز حمل شده بود، مزدوران موفق به رای گیری نشدند. در خود شهر پیرانشهر نیز در صندوق مسجد جامع که مرکز اصلی رای گیری شهر بوده است، فقط تعداد پانصد رای شمارش شده است.

سنندج

شهر سنندج نیز همچون دیگر شهرهای کردستان پیشی از برگزاری انتخابات شاهد تبلیغات گسترده و اقدامات سرکشیگران مزدوران رژیم بود. عوامل جیره خوار رژیم یک هفته قبل از انجام نمایش ضحک خود، برای فراهم کردن زمینه شرکت توده ها در انتخابات و برای وادار نمودن آنان به رای دادن از هیچ گونه تهدید و ارعاب فروگذار نکردند. آنان توده ها را تهدید به قطع کوهن خوار و بار و محروم ساختن آنان از سهمیه لوازم زندگی نموده و بسیاری در هم شکنین روحیه مقاومت مردم زحمتکش، آنان را تهدید به دستگیری، زندان و خماره بهاران

مناطق میگونی نمودند. اما علی رغم همه این تلاشهای ضدبویخانه رژیم و شیوه های ارتجاعی و ضد انقلابی بکار گرفته شده از سوی او، روز انتخابات شهر کاملاً خالی بود. توده ها بسا استفاده از شیوه های ابتکاری و به انحاء مختلف از رای دادن خودداری کرده و عده کثیری از آنها به بهانه گردش از شهر خارج شدند. تعداد رای دهندگان در مجموع و با توجه به جمعیت آنقدر کم بود که مزدوران، دو بار و هر بار دو ساعت مدت زمان رای گیری را تمدید کردند. بخش اعظم آراء ریخته شده به صندوق ها متعلق به نیروهای سرکشیگر رژیم بود و تعدادی را کارمندان ادارات تحت شواپط زور و فشار اجباراً به صندوق ها ریخته بودند.

در محله "کانی کوزه له" که مزدوران برای جمع آوری رای رفته بودند با اعتراض مردم مواجه شده و مجبور به ترک محله گشتند. جوانان علی رغم افعال زور و تهدید از جانب مزدوران، صراحتاً اعلام داشتند که حاضر به شرکت در انتخابات نیستند. در برخی دیگر از محله ها از جمله محله های "حاجی آبار" و "شرف-آبار" عده خیلی کمی به پای صندوق ها رفتند.

در کارخانه "شاهو" کارگران مبارز جمله ای را که فرمانده ار مزدور شهر برای تبلیغ مسئله انتخابات و تشویق کارگران به شرکت در آن گذاشته بود، بسا اعتراض ترک کرده و یکبارجه این مراسم نمایش را تحریم کردند.



گسترش مبارزات اعتراضی...

از صفحه ۲

حصول به چنین امری را در سیاست های امروز خود فراهم نمایند. و با ترک این وظیفه و این واقعیت، به نقش و سهم خود در ایجاد وضعیت بحرانی کنونی در سطح جنبش انقلابی خلق کرد و توقف حاصل نموده، راه بیرون رفت از آن را در عمل ارائه ننهند و حقانیت این یا آن سیاست تنها در محک برخورد به واقعیات مبارزه است که منجمد می شود و نه چیز دیگری.

گرامی یاد خاطره فدائی شهید رفیق

انور اعظمی

سوم شهریور سه سال از شهادت پیشمرگه فدائی، رفیق انور اعظمی گذشت. رفیق انور یکی از اعضاء سازمان، یک انقلابی آگاه و کمونیستی خستگی ناپذیر بود و تمامی نرات وجودش آکنده از عشق به توده ها بود، چیزی که همواره بهورتی زاید الوصف بر این رفیق نیرومی بخشید و در زندگی واقعی پیوندهای او را با زحمتکشان متحکم تر می نمود.



انور رفیق را می توانیم به رهائی کارگران و زحمتکشان، دمکراسی و سوسیالیسم او را به جرگه رزمندگان بی رهنمون ساخته بود، که تا پای جان برای تحقق آرمان های والا از هیچ تلاشی دریغ نخواهند ورزید. انور تمامی وقت و زندگی خود را بخدمت سازمان گرفت و در جنب و جوش مداوم خود در میان توده های مردم از جمع همزمان و در تشکیلات همواره نمونه بارزی از یک انسان قابل و شایسته و یک رفیق وفادار به سازمان بود. رفیق انور پس از ۶ سال مبارزه انقلابی در صفوف سازمان سرانجام در حالیکه مسئولیت سیاسی تشکیلاتی یک دسته از پیشمرگان فدائی را به عهده داشت، در جریان خلق سلاح گروه ضربت پایگاه حرّی در شهریور ۱۳۶۱ به شهادت رسید.

یادش جاودان باد!

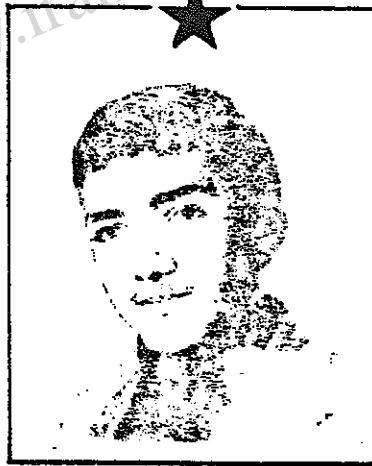
گرامی یاد خاطره فدائی شهید رفیق

طهمورث اکبری

فدائیان خلق طهمورث اکبری، پیشمرگه آگاه و خستگی ناپذیر یکی از فرزندان راستین خلق کرد و یکی از بنیانگذاران کانون دانشجو-محصلین در سال ۵۶ و یکی از بنیانگذاران دفتر پیشگام در شهر مریوان بود.

طهمورث جوانی پر شور و انقلابی و یکی از رفقای فعالی بود که پس از روی آوری به سازمان و آمدن به ارمان والای کارگران و زحمتکشان، با از خود گذشتگی و فدائیکاری، شبانه روز برای انجام وظایفش تلاش ورزید و زندگی خود را وقف اهداف سازمان نمود.

طهمورث با شایستگی که از خود نشان داد، مسئولیت سیاسی دفتر پیشگام را بر عهده گرفت و اینبار با تلاشی دوچندان صفات درخشانی از فعالیت انقلابی را از خود برجای گذارد.



سرانجام رفیق در تاریخ ۹ شهریور ۵۸ طی یک مأموریت سازمانی در جاده مریوان - یقز با ستونی از مزدوران سرکوب رژیم روبرو گشته و بعد از چندین ساعت درگیری و مقاومت حماسی پس از به هلاکت رسانیدن چند تن از مزدوران آماج گلوله قرار گرفت و قلب پر مهرش برای همیشه از تپش باز ایستاد.

یادش گرامی و نامش جاودان

گرامی یاد خاطره فدائی شهید رفیق

بهزاد شهلائی

از صفحه ۲۰

تا لحظه ای که بچک افتاد و شعله های سرکشش بکارجویی در وجود او خاموش گردید، همواره از پرتحرکترین رفقای بود که صفا او چه در دوران حیاتش و چه پس از شهادت زنازاد توده های زحمتکش و همزمانش قرار داشت.

جسارت و بی باکی رفیق بهزاد، باعث گردیده بود تا در تمام مراحل فعالیتش از نقش ویژه ای برخوردار باشد. بهزاد در انجام وظایف سازمانی چه قبل و چه بعد از انشعاب اکثریتی های خائن پیشقدم بود و از جمله رفقای بود که علیه خط اکثریتی ها در کردستان به مخالفت برخاست و دفاع از خط اصولی و انقلابی سازمان را وظیفه خود قرار داد و اینبار با اشتیاقی دوچندان به مبارزه در سنگر پیشمرگان فدائیان ادامه داد و جزو اولین کسانی بود که همراه رفیق صیامک امیدیان ستاد سازمان در بکان را بنیان نمودند. بهزاد بر اساس تجارب و تائیدهای نظامی در تشکیلات سازمان ارتقاء یافت و بعنوان یکی از برجسته ترین پیشمرگان فدائی در گسترش فعالیت سازمان از نقش موثری برخوردار بود.

سرانجام رفیق بهزاد فرزندی فدائیان خلق کرد در روز ۲۶ شهریور ماه ۶۳ در اثر یک توطئه دردناک به شهادت رسید و سازمان ما یکی از رفقای ارزنده خود را از دست داد.

یادش گرامی باد!



آغاز ششمین سال

از صفحه ۷

سال جنگ و پایداری پنج سال گذشت و جنایت جمهوری اسلامی در جنبه های جنگ ارتجاعی از پاسی و تحت پوشش ضمیمت جنگی و در سرکوب های خونین داخلی از سوی دیگر، زمینه آشکار ساخته است که رژیم جمهوری اسلامی نه می تواند و نه من خواهد، این جنگ را با ضمیمت کنونی خود، پایان دهد چرا که سرنگشت رژیم دیگر به ادامه این جنگ گره خورده است. اما رگه ناراضایی عمومی و جنبش نوده ای علیه جنگ و فقر و میرانی و خانه خرابی حکم بر جامعه ایران، فرصت و امکان نه تنها پیروزی، حتی ادامه این جنگ را نیز نخواهد داد و رژیم جمهوری اسلامی را با جنگ صرانتگر آن به گور خواهد سپرد.

بدون تردید جنبش انقلابی خلق کرد در مبارزه برابری کنونی رژیم، همانطور که در به شکست گشاییدن تلاش های رژیم در گسیل هرچه بیشتر نیرو به کردستان تحت پوشش گسیودن جنبه علیه رژیم عراق، نقش

بسنایی داشته و دارد. و بسه سوزات رشد و انقلابی جنبش بوده ای که اوائل امسال جریکهای آن در تعدادی از شهرهای مهم ایران، آشکار گشت، قدرت رزمی خود را هرچه بیشتر خواهد ساخت که لازمه آن فائق آمدن برشتت درونی امروز خود و قطع درگیری های خونین کنونی فیما بین نیروهای سیاسی و ایجاد آن مناسبات مناسب با اهداف انقلابی و دگرگونی جنبش کنونی است که بتواند تفریق کننده، تمام هرچه درتند جنبش کنونی در راستای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی باشد که عامل وجودی پیران اجتماعی-اقتصادی کنونی در جامعه ایران، سرکوب و کشتار و غارت و از جمله جنگ ارتجاعی ایران و عراق است.

رها انسان کمونیستی است که برای رهایی کارگران و محضکنان از شر نظام کثرت بار سرمایه داری و رسیدن به دگرگونی و مساوات تا آخرین نفس در سنگر خونین سازمان جنگندند. و با وثیقه خون خود بر رزم سرخشان پای نشاندند.

- یاد فدائیان خلق رفقا:
- ۱- یعقوب تقیری (امیر) ۱۳۵۸
 - ۲- طهمورت اکبری ۱۳۵۸
 - ۳- جمال پخالی ۱۳۵۸
 - ۴- شهریار ناهید ۱۳۵۸
 - ۵- احسن ناهید ۱۳۵۸
 - ۶- ناصر سلیمی ۱۳۵۸
 - ۷- صطفی شمس الدین ۱۳۵۹
 - ۸- قاسم محروسی ۱۳۵۹
 - ۹- ابوبکر آرمغان ۱۳۵۹
 - ۱۰- محمد تقی فروزنده ۱۳۶۰
 - ۱۱- جواد کارشی (مهاجری) ۱۳۶۰
 - ۱۲- انور اعظمی ۱۳۶۱
 - ۱۳- رشید یزدانی ۱۳۶۱
 - ۱۴- بهمن جتیی (سنگو) ۱۳۶۱
 - ۱۵- مرتضی خدایرادی ۱۳۶۱
 - ۱۶- سعیده کسرطان ۱۳۶۲
 - ۱۷- بهزاد شهبازی ۱۳۶۳

گرامی باد فاطمه
شهادت شهریورماه
سازمان در کردستان

شهریورماه نیز، همچون هر ماه سال سرشار از پرک های گلگون است که هر کدام آن یاد آور قربانی و از خود گذشتگی

گرامی روزشمان پایدار! ★★

غنائم بدست آمده

۱۳۶	جنگ افزار انفرادی
۱۵۷	انواع نارنجک
۶	سی مهم
۴۱۵۴۶	انواع فشنگ
۴۱۲	خشاب
۱۲	جنگ افزار سنگین و نیمه سنگین
۱۱۹	گلوله ها صله سنگین و نیمه سنگین
۲۳	بنویستن فریب خوردگان

تلفات دشمن

۴۲۰	کشته و زخمی
۳۷	اصرای دشمن
۴۱	خود رو ضهدم یا مصدوم شده
-	سلاحهای منهدم شده
۲ انفار	صهات ضهدم شده

جدول یک ماهه
طیقات پیشمرگان
خلق کرد

۲۷ مرداد تا ۲۷ شهریور

عملیات پیشمرگه

۱۷	کمین و کنترل جاده
۱۹	مین گذاری
۳۸	مقابله در برابر یورش رژیم
۱۵	حمله به مراکز رژیم در شهرها
۶	خلع سلاح پایگاه
۱۰	مصادره و انهدام تاسیسات
۴۱	حمله به پایگاهها
۱۴۲	جمع

۲۰	شهادت پیشمرگه
۱۶	شهادت اهالی بی دفاع

آمار این جدول عمدتاً از اخبار رادیوهای حزب دگرگات و گویا برگرفته شده است.

سدرکه و توبی بزوتنه وهی شور شگپراندهی گه لی کورد

اخباری از جنبش توده‌ای

صفحه ۱۳

برخی ملاحظات

صلاح به نفع جنبش یا

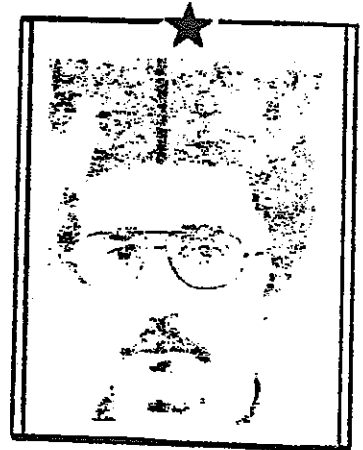
جنگ برای جلب محافل خارج

حزب کمونیست کومه لسه در بیست و یکمین شماره نشریه خود که بتاريخ سی ام تیرماه ۶۴ انتشار یافته است، در مقاله ای تحت عنوان "طرفداران صلاح در کردستان چه می خواهند؟" بار دیگر ماهیت دوگانه رهبران خود را به نمایش گذاشته و با تأکید بر اینکسکه درگیری مابین حزب دگرات کومه لسه جز به نفع رژیم جمهوری اسلامی تمام نمی شود، می نویسد:

"گروههای سیاسی ایرانی تقریباً بدون استثنا در باره این جنگ نوشته اند و حریف زده اند... نویسندگان این مقالات معمولاً تأکید می کنند که این جنگ به نفع جنبش کردستان نیست، قوای مردم را تحلیل می برد، جمهوری اسلامی را در موقعیت پرتسر قرار می دهد و قس علیهذا همه بدست از شرایط مساعدی که این جنگ برای جمهوری اسلامی فراهم می کند اظهار نگرانی کرده اند... و بر این صفا ما را ظهم می کنند که منافع جنبش را درک نمی کنیم در صفحه ۱۵"

گرامی باد خاطره فدائی شهید رفیق

بهزاد شهبانی



یک سال از شهادت رفیق بهزاد گذشت. رفیق بهزاد شهلاسی پیشمرگ فدائیکار سازمان از جمله رفقای بود که بسا او جگری جنبش توده ای در سال ۵۷ و برآمد جنبش انقلابی خلق کرد، بعنوان یک روزمنده پوشور برای دفاع از خلق خود همراه رفقای شهید یعقوب تقدیری و یوسف کفشی زاده برای ایجاد ستار سازمان در شهر سنز فعالانه کوشید و در طی مبارزات انقلابی در صوفی پیشمرگان فدائی تا باختر به ارمان کارگران و زحمتکشان وفادار ماند.

بهزاد طی ۶ سال مبارزه انقلابی علیه رژیم جمهوری اسلامی، از لحظه ای که قدم به میدان جنگ انقلابی گذارد در صفحه ۱۸

وادیو صدای فدائی

امواج کوتاه و دینهای ۶۵ و ۷۵ متر
ساعات ۸٫۵ بعد از ظهر و ۱۲٫۵ روز بعد

خلق کرد پیروز است

جدول یک ماهه علیات پیشمرگان خلق کرد
از ۲۷ مرداد تا ۲۷ شهریور
صفحه ۱۹

گزارشی کوتاه از انتخابات ریاست جمهوری در کردستان

و سوائی بیش از پیش رژیم

در صورت خلق روزمنده کرد در طی این مدت در رخ نگرده اند، از این هدف موسوی و ارتجاعی رژیم پرکنار نمائند و نتیجه این طتها قبل از انتخابات قلابی و فرمایشی از دستگاههای مخرب و تحویل خود، به تبلیغات وسیع و گسترده ای دست زده و در بوی و کمرهای خود پلاروقه دمیدند، تا خلق قهرمان کرد را به پستی صندوق های رای بکشانند. اما رژیم از آنجا که چشم در صفحه ۱۶

رژیم ارتجاعی روزمنده جمهوری اسلامی، بسا تبلیغات گسترده و سراسری در مورد برگزاری ضحله انتخابات ریاست جمهوری، ضمن توسل به ضیوه های مختلف مکنه، مزدو حانه تلاش نمود تا بلکه رژیم ارتجاعی روزمنده - بسا هلی رای بکشاند تا در اراده سیاست های سرکوبگرانه خود و با صحنه سازی در زمینه انگاره به آره توده ها و سوء استفساره از آن، اهدای ارتجاعی و مفسد انقلابی خود را

سرتگون باد رژیم جمهوری اسلامی برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق